

زرتشتیان



ماهنامه

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

شماره: ۲۲- پاییز ۳۷۵۱ زرتشتی، ۱۳۹۲ خورشیدی، ۲۰۱۳ ترسای

The zoroastrian Journal

• فلسفه دیرینگی جشنها

• تندیس بابک خرمدین

• سفر به نخستین پایتخت ایران

• مهر و مهرگان

منشور کورش بزرگ در آمریکا

لوس آنجلس: ۴ اکتبر تا ۲۵ سپتامبر، ۲۰۱۳

مهرگان خجسته

ماهنامه



زرتشتیان

فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی و ادبی

- پاییز ۳۷۵۱ دینی زرتشتی، برابر ۱۳۹۲ اسلامی خورشیدی و برابر با ۲۰۱۳ ترسای
- شماره ۲۲، ۵ هزار تا
- سردبیر: مهرداد ماندگاری
- زیر نگر: گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
- رایانه: رامین شهریاری
- تایپ: فریبا کیان زاد
- طراحی و گرافیک: رکسانا کاوسی
- چاپ: LA WEB PRESS
- همکاران گروه انتشار: شهروز اش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، نسرين اردیبهشتی، مهرداد ماندگاری
- دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری داده اند: هوشنگ مهرخاوندی، شجاع الدین شفا، قاسم اخته، توران شهریاری (بهرامی)، بهنام مرادیان، شاهین سپنتا، آناهیتا کاویانی، مهیندخت دهنادی، فرهاد کرمانی، صبا حیدری
- ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه نویسندگان نوشتار می پذیرد.
- با سپاس از انجمن دوستداران زرتشت، مجله اشا، دهشمندان و آگاهی دهندگان که همواره پشتیبان ما بودند و CAIS.SOAS.COM نوشتارها می بایست با خط خوانا نوشته شده باشند.
- گروه انتشار در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شوند.
- نگر ها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها رأی و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشند.

۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

۷۱۴-۸۹۴-۹۵۷۷

فکس:

Email: info@czcjournal.org

منشور حقوق بشر کورش بزرگ

بخشی از متنی که از سوی کورش بزرگ در سال ۵۳۵ پیش از میلاد نوشته شده



منم کورش شاه شاهان، شاه بزرگ، شاه قدرتمند، شاه بابل، شاه سومر و آکد، شاه چهار کشور، پسر کمبوجیه شاه بزرگ شاه شهر انشان، نواده کورش شاه بزرگ از شاخه

سلطنت جاویدان که دودمانشان مورد مهر اهورامزدا و حکومتش به دلها نزدیک است.

هنگامیکه با آرامش و دوستی وارد بابل شدم در میان شادی و سرور همه مردم در کاخ شاهان بابل به تخت شاهی نشستم، مردوک (خدای بابلیها) که من هر روز در اندیشه بزرگداشت وی بودم دلهای مردم نجیب بابل را متوجه من کرد.

لشکر بزرگ من صلح آمیز در میان شهر بابل حرکت کرد و نگذاشتم آزار و اذیتی به مردم این شهر و سرزمین سومر و آکد وارد آید. اندیشه امور داخلی و اماکن مورد ستایش بابل مرا تکان داد. فرمان دادم همه در پرستش خدای خود آزاد باشند و بی دینان آنان را آزار ندهند.

فرمان دادم هیچیک از خانه‌های مردم خراب نشود و هیچ کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکنند.

فرمان دادم تمام معابد بسته شده شهر بابل و سومر و شوش و آکد و همه سرزمینهای آنطرف دجله قرار دارند و از دوران گذشته بنا شده بودند گشوده شوند و همه خدایان این نیایشگاهها را بجای خودشان باز گرداندم تا همیشه در آنجا مقیم شوند.

فرمان دادم خدایان سومر و آکد را که نبونید به بابل آورده و سبب خشم شده بود بی آسیب به جایگاه آنها که شادی دلم نام داشت بازگرداندم.

تمام پادشاهانی که در همه کشورهای جهان از دریای بالا تا پایین و پادشاهان غرب که در چادرها زندگی میکردند همه پیشکش سنگین خود را به بابل آوردند و به من دادند.

اهالی این محلها را جمع کردم و خانه‌های آنها که خراب شده بود را از نو ساختم و صلح و رامش را به همه بخشیدم.

اهورامزدا از من خرسند شد و به من که کورش هستم و به پسر کمبوجیه و به تمامی سپاهیان من، افزونی و فرخندگی را بخشید.

دستن تقدست

از نسرين اردیبهشتی

گویا همین دیروز بود که جشن کهن مهرگان را با شادی و شکوه بر پا کردیم. با آمدن مهرگان کودکان و جوانان هم به سر کلاس درس باز میگردند تا با کار و کوشش آینده خود را پایه گذاری کنند و به هدف و حرفه ای که مایل هستند دست یابند.

آیا آینده ما در درون ما نهفته است؟

آینده از تمایل و کشش درونی ما به فردی و یا چیزی و یا کاری در وجود ما جوانه می زند و با کار و کوشش که برای رسیدن به آن هدفی که دوستش داریم رشد می کند که همانا آینده ماست. زندگی ما در هول همان چیزهای مورد پسندمان جریان دارد.

افسوس که این روند همیشه به دلخواه نمی ماند و با محدودیت هایی که دست و پا گیر ما هستند مسیر زندگی مان دگرگون میشود.

زمانی بود که فرزند بویژه پسر خانواده می بایست پا در جای پدر بگذارد و پیشه او را دنبال کند و یا در گزینش همسر به انتخاب های پدر و مادر گوش فرا دهد و اگر اینچنین نمی شد ایشان مورد نا مهری خانواده و دیگران قرار می گرفت. امروزه دختران و پسران برگزیننده آینده خود هستند و با بهره گیری از خرد خود آینده خود را می سازند و در انتخاب و گزینش آزاد هستند. شک نیست که راهنمایی های دیگران می تواند در گزینش ایشان موثر باشد ولی انتخاب نهایی با اوست.

اشوزرتشت اسپنتمان در چهل سده پیش مردم را به اندیشیدن و خردگرایی و گزینش و آزادی فرا خواند. همان چیزی که کانون های پیشرفته و ترقی دنیای امروز به آن باور دارند و به کار می گیرند.

اشو زرتشت در یسنا هات ۳۱ بند ۱۱ می فرماید:

«ای اهورامزدا هنگامی که از روز ازل جسم و جان آفریدی و روان در کالبد آدمی دمیدی و از دانش خویش نیروی اندیشیدن و خرد بخشیدی و به انسان نیروی کار کردن و سخن گفتن و رهبری کردن بخشیدی، خواستی که هر کس به دلخواه خود و با کمال آزادی راه زندگی خود را بر گزیند.»

باشد که از این آزادی و خرد گرایی به درستی بهره گیریم.

ایدون باد

درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه ی زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند و توان دادن یاری های پولی دارند، خواهشمندیم

چک های یارانه ی خود را به نشانی مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave.

Westminster, CA 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک «چیس» رفته،

یارانه ی خود را به شماره حساب ۶-۳۳۴۶۷۵-۴۲۱ بریزند

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Account #421-334675-6

مهر افزون - مرکز زرتشتیان کالیفرنیا



فلسفه دیرینگی جشنها

جشن و شادی در ایران کهن رابطه تنگاتنگی با اعتقادات و باورهای مردم آریایی داشت «انگره مینو» و «سپنتامینو» نمایانگر بدی و نیکی، پلیدی و زشتی در برابر خوبی، به جشنهای ایرانی مفهوم می بخشید.

مطابق آنچه که در متون و سنگ نبشته ها و اسناد باقیمانده از ایران عهد باستان اعم از اسطوره و تاریخ بدست ما رسیده در جامعه و باورهای آریاییان ایران غم و اندوه حتی در مراسم درگذشتگان هیچ جایگاهی نداشت. در متون کهن ایران اعم از اوستا و متون پهلوی و سنگ نبشته های شوش، تخت جمشید، نقش رستم و سایر نقاط، گریه و زاری و مویه و شیون در فرهنگ آریایی های ایرانی نکوهش شده و گریه کردن و غم در زمره کردارهای زشت و اهریمنی قلمداد می شده است. در اوستا غم و اندوه نکوهش و از شادی تمجید شده است.

«کار و منش نیک را می ستاییم تا بتوانیم در برابر تاریکی و غم و نادانی پایداری کنیم و گریه و مویه را از خود دور کنیم و از آن خودداری نماییم.» یسنا ۷۱- بند ۷
دینکرت یکی از دیگر متون پهلوی عهد ساسانی در موارد فراوانی به سرزنش اندوه و گریه و ستایش شادی و سرور پرداخته است. در این متون مشاهده می کنیم که مردم حتی در سوگ از دست دادن نزدیکان و هموعان شیون و زاری و خود آزاری نمی کردند. و خرمی و شادی را برای ارواح در گذشتگان آرزو می کردند. (دینکرت کرده یازدهم)

در ارداویرافنامه که ماحصل سفر موبد زرتشتی به عالم بالا است می خوانیم: برای افرادی که جهان را به غم و اندوه و گریه می گذرانند در جهان پس از مرگ مجازات و کیفر قرار داده شده و کسانی که در این جهان دروغ نگویند، شیون نکنند، از درد و بیماری در امان خواهند بود. بر اساس متون باستانی ایران، افرادی که جهان و زندگی را به غم و اندوه بگذرانند، هنگام عبور از پل چینود (صراط) به سختی گرفتار خواهند شد. و روان در گذشتگان آنها در عالم برزخ به عذاب دچار می گردد.

در سنگ نبشته های دوره هخامنشی نیز شادی و جشن به عنوان یک موهبت الهی دانسته و مورد ستایش واقع شده است: «خدای بزرگی است اهورامزدا که آسمان، زمین، انسان و اسبهای زیبا را آفرید و برای انسان شادی آفرید.....» (بیستون کتیبه داریوش)

در فرهنگ و باورهای مردم ایران عهد باستان، جشن به معنای عید بود و هدف از برگزاری جشن ایجاد همبستگی ملی و اجتماعی و تزریق روحیه نشاط و شادمانی و فعالیت در اجتماع بود به علاوه گردهم آمدن مردم موجب پرهیز از انزوا و گوشه گیری و افسردگی می شد و مردم در این وضعیت به یکدیگر ابراز محبت نموده و نسبت به یاری و تعاونی با یکدیگر رغبت نشان می دادند. افزون بر این جشن یکی از شیوه های از میان رفتن فقر و تهیدستی، تنهایی مردم و روی آوردن آنها به یک زندگی پر نشاط و شاداب می شد و مردم در این جشنها نیازمندیها و آرزوهای خود را بر آورده شده می دیدند. به علاوه موجب می شد انگیزه نیایش ایزدان و تحکیم دوستی میان مردم خدمتگزاری و فرمانبرداری از قوانین و نظم در اجتماع میشد.

«جشن مهرگان»

مهرگان برگرفته از واژه «مهر = مئیره» ایزد بزرگ عهد کهن ایران آریایی است. ایزد مهر = خدای خورشید، نورانیت، عدالت، بخشش، عهد و پیمان و..... بسیاری صفات ارزنده دیگر و یکی از بزرگترین و مقتدرترین ایزدان در فرهنگ اعتقادی ایرانیان آریایی بود.

ایزد مهر مظهر صلح و بخشش و دوستی و عهد و پیمان و پاسدار جنگجویان در میدان جنگ، حلقه پیوند میان پروردگار و بندگان و پس از نوروز باشکوهترین جشن ایرانیان و حتی در مقاطعی از تاریخ ایران بر نوروز برتری داشت.

به واسطه جایگاه والا و ارجمند ایزد مهر، در اوستا یک فصل به نام «مهر یشت» به

این ایزد اختصاص یافته است:

«مهر را می ستاییم که به خانوارهای آریایی و کشورهای آریایی آرامش، سازگاری و شادی می بخشد.» مهر یشت بند ۵

مهرگان در کنار نوروز یک جشن بزرگ و ملی و پایه ای بوده است. ابوریحان بیرونی دانشمند بزرگ و شهیر ایرانی فقط در روز نوروز و مهرگان دست از مطالعه و پژوهش می کشید و استراحت می کرد. به همین علت فصل عمده ای را در نوشتارهای خود به تاریخ و فرهنگ و باور و رسوم و جشنهای ایران اختصاص میداده و یکی از منابع مهم آگاهیهای ما از گذشته ایران در آثار او به ویژه آثارالباقیه آمده است. در ایران کهن سال به دو نیمه (فصل) تقسیم میشد. بهار و زمستان، نوروز آغاز فصل بهار و اعتدال بهاری بود و مهرگان در ابتدای نیمه دوم سال یعنی پاییز و زمستان و فصل سرما می گرفت. به علاوه مهرگان در پایان فصل کشت و کار و برداشت محصول واقع می شد و این جشن برای کشاورزان و دامداران و مردم عادی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بود. افزون بر این مهرگان در آغاز فصل پاییز و هنگام گشایش ادارات دولتی مدارس و آموزشگاهها و مراکز علمی و به عبارتی جشن آغاز علم و فصل آکادمیک ایران در آن رقم می خورد. در ایران کهن، هر یک از روزهای ماه نام ویژه ای داشت. روز شانزدهم هر ماه با نام «مهر» نامیده شده بود و بنابراین روز شانزدهم از ماه مهر، با نام مهر تقارن پیدا می کرد و همین روز جشن مهرگان برگزار می شد.

یکی از ویژگیهای جشن مهرگان حضور پادشاه به عنوان رهبر سیاسی و نماد اتحاد ملی و اقتدار، شخصی که از سوی تمام قشرهای مردم مورد احترام واقع میشد. حضور پادشاه در جشن مهرگان و نوروز به این مراسم اهمیت زیادی داشت. البته پادشاه در اکثر جشنها و مراسم دینی و ملی ایران کهن حضور داشت. به علاوه در جشن مهرگان همانند نوروز تمامی قشرهای مردمی اعم از کشاورز، شبانان، روحانیون، نظامیان، طبقات عامی و فرودست جامعه صنعتگران و... با اشتیاق کامل شرکت می کردند.

پس از پادشاه حضور مغان (روحانیون) به عنوان پیشوایان و گردانندگان اصلی جشن و افرادی که جشن را سرپرستی و مدیریت می نمودند بسیار مهم بود. جشن مهرگان شش روز به طول می کشید (۲۱-۱۶) مهر روز شانزدهم که روز اول جشن بود به مردم و رعایا تعلق داشت و روز آخر به پادشاه و خواص.

گستره و رسوم جشن مهرگان:

پرستش ایزد مهر و جشن مهرگان، بیشتر از هر موضوع دیگری در ممالک همجوار ایران تاثیر گذار بوده است. امروزه مسیح فرزند مهر خوانده می شود که در شب یلدا، تاریکترین شب سال از ایزد مهر متولد شد و جهان را با نور ایزد مهر روشن ساخت و بر تاریکی و حشتناک یلدا و زمستان غلبه کرد. یکی از علل شان و منزلت مهرگان نزد مردم و اهمیت این جشن آن بوده که: مهرگان بر اساس باورهای دینی و اعتقادی و عرف رایج در جامعه آریایی شکل گرفت و اجرا شد و آسان و دور از دسترس مردم نبود. مهرگان امروزه غالباً در میان زرتشتیان ایران و جهان با شکوه گذشته برگزار میشود، تنها افرادی که به طور منظم و همه ساله جشنهای ایرانی و سنتهای کهن ایران را زنده نگه داشته و اجرا می نمایند و به آن پایبند می باشند.

تمام شش روز جشن شلوغ و پر از ازدحام بود منتها روز آخر مهم و اوج جشن بود زیرا ایرانیان معتقد بودند در این روز فریدون بر ضحاک تازی غلبه کرده است.

بنابراین جشن مهرگان از نظر مردم و پادشاه:

* روز غلبه فریدون به عنوان نماد خوبی، بر ضحاک به عنوان مظهر پلیدی و ستم و سفاکی بود

* در این روز پادشاه و کشورها از جنگ و خونریزی خودداری کرده و به صلح و آشتی و همزیستی روی می آورند.

* در این روز کشاورز و دهقان فداکار و زحمتکش ثمره کشت و کار خود را درو کرده و از خرمن آن لذت می برد.

* مهرگان روز فرود آمدن برکات و رحمت خداوند بر بندگان قلمداد میشد.

* در این روز همه به پادشاه هدیه میدادند و هر کس سعی میکرد بهترین هدیه را بدهد.

* و روز پایان جشن (۲۱ مهر) پادشاه بار عام می داد و همه بلا واسطه با پادشاه دیدار و همنشینی می کردند.

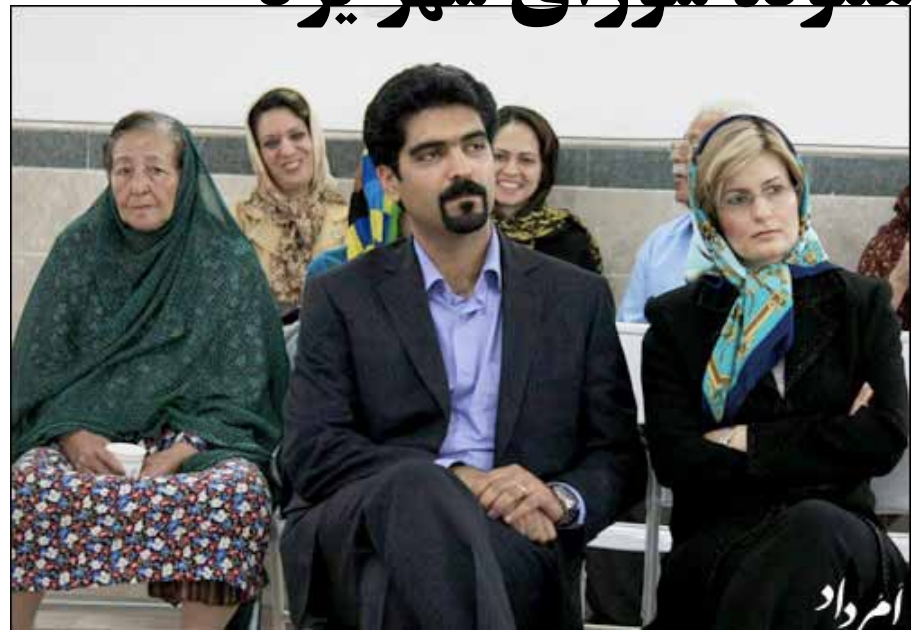
* در روز جشن مهرگان همه دشمنی با یکدیگر را فراموش می نمودند و آشتی و صمیمیت و شادی برقرار می شد.

* در روز جشن مهرگان پادشاه نیز به مردم هدیه میداد که معمولاً لباسی گرانبها از جنس خز و بالاپوش خودش بود.

جشن مهرگان پس از اسلام:

پس از اسلام، مهرگان مانند بسیاری از جشنهای دیگر به فراموشی سپرده شد. یکی از دلایل این کار ممانعت از اجرای جشن و شادی و رسوم ایرانیان بود. در منابع سده های نخستین اسلامی به شکل گسترده ای به آیینها و رسوم ایرانی اشاره شده است. آثارالباقیه بیرونی، تاریخ طبری، مسعودی، گردریزی و..... به این رسوم اشاره کرده اند. ابوریحان بیرونی در مورد جشن مهرگان نوشته است: روز شانزدهم مهر در ایران عید بزرگی است و به مهرگان معروف است زیرا مهر مام آفتاب بوده و در این روز آفتاب بر اهل عالم پیدا شد. این روز را مهرگان گویند. در این روز فریدون برضحاک غلبه یافت..

هموند شورای شهر یزد



همزمان با پایان شمارش آرای انتخابات شورای شهر یزد و انتخاب سپنتا نیکنام به عنوان هموند این شورا، «احمد ابویی»، فرنشین (رییس) شورای شهر مهریز و دبیر انجمن میراث فرهنگی یادگارهای مهریز، یادداشتی را با عنوان «من به کد ۱۸۴۵، سپنتا رای دادم» در سایت خبری «یزد فردا» منتشر کرده است. یادداشت این عضو راست‌گرا پیش از پایان شمارش آرا نوشته شده اما پس از انتخاب سپنتا نیکنام در این شورا بر روی یزد فردا منتشر شد. «احمد ابویی» در این یادداشت، تاکید کرده که خودش به سپنتا نیکنام رای داده است.

یادداشت احمد ابویی درباره سپنتا نیکنام را در دنباله بخوانید: توضیح این مطلب قبل از اعلام نتایج انتخابات نگاشته شده بود و در پی ترافیک خبر، ساعاتی پس از اعلام نتایج و نفر پنجم شدن» سپنتا نیکنام «منتشر می‌شود. انتخابات به پایان رسید. دوره رقابت‌ها گذشت و دوره رفاقت‌ها رسید. در مورد تحلیل‌های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری دوستان دیگری که صلاحیت بیشتری دارند حتما خواهند نوشت و ما استفاده خواهیم کرد اما آنچه مسلم است اینکه انتخابات پر شور و حماسی برگزار شد و امید دوباره‌ای به کشور بازگشت که باید قدر این فرصت و این مشارکت بالای مردم رشید را بدانیم و به رای و نظر آنان احترام بگذاریم.

اما در مورد انتخابات شورای شهر یزد که با بیش از ۱۰۰ نامزد برگزار شد، نکات قابل تامل زیادی وجود دارد که اولین آن کثرت نامزدها و تنوع اشخاص مختلف بود. در بین همه نامزدها، یک نامزد از بقیه متمایز بود؛ نامزدی با کد ۱۸۴۵، سپنتا (sepanta) نیکنام، جوانی که شعار تبلیغاتی او برایم آشنا بود. وقتی یکی از دوستان زرتشتی او را به من معرفی کرد، تازه متوجه شدم که سپنتا از همشهریان عزیز زرتشتی ماست که در این انتخابات شرکت کرده‌است. او به طور حتم یکی از گزینه‌های مورد نظر من برای انتخابات شورای شهر بود زیرا عقیده دارم که می‌توان در شهری که صدها سال در آن زرتشتی و مسلمان و یهودی در کنار هم به صورت مسالمت‌آمیز زندگی کرده‌اند، نماینده‌ای از این اقلیت نجیب در شورای شهر داشت، همانطور که در مجلس شورای اسلامی داریم.

فارغ از هر نتیجه‌ای که در انتخابات شورای شهر رقم خواهد خورد و این مطلب که آیا او رای خواهد آورد یا نه؟ باور دارم که شورا باید از این ظرفیت چه به عنوان هموند (عضو) شورا و چه به عنوان مشاور شورا بهره بگیرد. به عنوان یک شهروند به منتخبین محترم شورای شهر پیشنهاد می‌کنم از سپنتا به عنوان عضو افتخاری یا مشاور شورا استفاده نمایند.

یقین داشته باشید حضور یک همشهری زرتشتی در کنار شورای شهر می‌تواند آغاز یک راه باشد.

(۱) گاهی در کشور ما برای اینکه کسی را محترمانه کنار بگذارند به او عنوان مشاور می‌دهند. منظور من از مشاور بودن سپنتا این مطلب نیست. سپنتا یک جوان شجاع زرتشتی است که می‌تواند به مثابه یک پل ما را به ارتباط بیشتر با یکی از اقلیت‌های محترم متصل کند.

(۲) حضور (sepanta) سپنتا از هازمان (جامعه) زرتشتیان در انتخابات شورای شهر نشانه‌ای از یک نیاز و خواست جامعه‌ی زرتشتی برای مشارکت بیشتر آنان در امور شهروندی است که البته جزو حقوق آنان است.

(۳) وجود چندین زیارتگاه مهم زرتشتیان در یزد که زائرینی از سراسر کشور و حتا دنیا دارد و کارهای خیری که زرتشتیان خارج از کشور سالها قبل در یزد از خود به جای گذاشته‌اند، نشانه‌هایی است که می‌توان به آنها حتا به دیده یک فرصت نگاه کرد این مطلب را سالها قبل نیز در نشریه همکاران متعلق

به استانداری تحت عنوان سفر به هندوستان ذکر کرده بودم.

(۴) سپنتا (sepanta) نام ایرانی به معنای پاک و مقدس است.

هشتمین جام همبستگی فوتبال زرتشتیان

به همت هیئت مدیره انجمن زرتشتیان کالیفرنیا شاخه سن‌دیگو و گروه همکارانشان هشتمین بازیهای همبستگی فوتبال زرتشتیان از تاریخ ۲۱ اگوست تا ۲ سپتامبر امسال در شهر سن دیگو در جنوب کالیفرنیا برگزار شد.

در این بازیها ۹ تیم بزرگسالان و ۷ تیم جوانان در ۲ بخش، از ۷ تا ۱۰ سال و از ۱۱ تا ۱۶ سال شرکت داشتند. حدود ۲۵۰ نفر در مدت ۳ روز از این بازیها دیدن کردند که ۱۰۰ نفر از آنان بازیگران تیم های شرکت کننده بودند.

در شب اول این گردهمایی، شب نشینی باشکوهی برگزار شد که در آن خواننده محبوب فرشید امین و دی جی کیا، شرکت داشتند.

گروه های رقص جوانان سن‌دیگو در بین بازیها هم برنامه های هنری متفاوتی اجرا کردند. غذا به صورت باربیکیو در طول بازیها برای همگان فراهم بود.

در روز پایان بازیها جوایزی به گروههای برنده مقام اول، دوم و سوم و همچنین به بهترین بازیکنان داده شد.

در این جا باید از زحمات گروههای برگزارکننده این گردهمایی که سبب هم‌آزوری و همکاری بیشتر جوانان زرتشتی میشود سپاسگزاری کرد. برای ایشان آرزوی پیروزی مینماییم.



مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتارها، فرتورها (عکس) و پیشنهادهای خود را به نشانی cninfo@czcjournal.org

برای نشریه مرکز بفرستید. نوشتارها و فرتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای www.czcjournal.org

میتوانید نشریه‌های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

مادر تالاسمی ایران در گذشت

پوران تیگرانی بود . مینا سالهای اول و دوم ابتدایی را در دبستان دخترانه شهریهیاری شهر کرمان گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به همراه خانواده اش به تهران آمد و در دبستان گیو و دبیرستان



. او در سال ۱۳۶۲ تلاش خود را برای تشکیل انجمن تالاسمی ایران شروع کرد و در سال ۱۳۶۸ این انجمن را بنیان گذاشت که بطور رسمی به ثبت رسید . دکتر ایزدیار رییس گروه

حال توسعه است که تمام مبتلایان تالاسمی در آن شناسایی و تحت پوشش تالاسمی ایران قرار گرفته اند و الگوی پیشگیری از تالاسمی را برای دیگر کشورها ایجاد کرده است.

همکاری ارزنده دکتر مینا ایزدیار در حمایت از بیماران تالاسمی ایران او را بعنوان مادر تالاسمی ایران معرفی می کند. او اولین انجمن تالاسمی ایران را زمانی که بسیاری از سیستم های بهداشتی مخالف چنین فعالیت هایی بودند پایه گذاری کرد . پشتکار و آفریدن چنین فرایند مهم و موفقی امروز بخوبی در سراسر ایران شناخته شده است.

لازم به اشاره است که انجمن تالاسمی ایران عضو فدراسیون جهانی تالاسمی (TIF) میباشد. این انجمن یک سازمان غیر انتفاعی است که هزینه کلیه فعالیت های آن از دهش و کمک افراد یا گروه های خیرخواه تامین میشود.

براستی که زحمت های این پزشک عالیقدر در تاسیس چنین سازمان خیریه ای قابل ستایش است و بسی سبب افتخار ما زرتشتیان که اینچنین انسانهای والایی در جامعه ما وجود دارند. به حق که دکتر مینا ایزدیار راه پاک اشویی اشوزرتشت اسپنتمان را که نوید دهنده پندارنیک و گفتارنیک و کردارنیک است را پیموده است .

روانش شاد و بهشت برین جایگاهش باشد

مؤسسان و ریاست هیئت مدیره انجمن تالاسمی ایران شد و با درایت خود نقش بسیار بارزی را در راه اندازی این نهاد داشت . این انجمن که وابسته به انجمن محک (موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان) است، اکنون بیش از دو هزار نفر عضو بیمار در سراسر ایران دارد. دکتر ایزدیار خود را وقف جلوگیری و درمان بیماران سرطان خون بخصوص تالاسمی و هموفیلیا در کودکان کرد. او بود که با کمک دهشمندان و اولیای کودکان مبتلا به این مرض توانست این سازمان خیریه را پایه گذاری کند.

بعد از گذشت ۲۳ سال از تاسیس این بنیاد حمایتی ایران تنها کشور در

انوشیروان دادگر تحصیل کرد. در سال ۱۳۴۶ با رتبه ۱۳ کشوری در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و با رتبه ۸۰ کشوری در دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی شیراز قبول شد که دانشگاه تهران را برای تحصیلات عالی برگزید. دکتر مینا ایزدیار با آقای دکتر پرویز ملک پور ازدواج کرد که ثمره آن ۳ فرزند به نامهای شیرین و شیرزاد و شیدا است. دکتر ایزدیار در سال ۵۶- ۱۳۵۴ عضو سپاه بهداشت ایران بود و در بیمارستانهای مفید و مرکز طبی کودکان وابسته به علوم طبی (TUMS) دانشگاه تهران کار کرد و عضو بود. دکتر ایزدیار تخصص خود را در رشته سرطان خون در کودکان دریافت کرد

چند سال پیش بود که برای دیداری به ایران رفتم . در میان جاهای دیدنی و خاطره انگیزه سالن خسروی که مکان برگزاری مراسم زرتشتیان در تهران است سری زدم . بر حسب اتفاق پرسه روان شادی در جریان بود که من هم برای احترام به گروه بانوانی که همگی در یک بخش جداگانه از مردان نشسته بودند پیوستم .

در میان آنها ناگهان به چهره ای آشنا برخوردم که مرا به دوران دور جوانی برد. این چهره آشنا دکتر مینا ایزدیار بود . به کنارش رفتم و پس از رو بوسی و احوالپرسی به یاد ایام گذشته سخن گفتیم . او گفت که دکتر است و در سازمان تالاسمی ایران مشغول به کار است و قرار است که بزودی برای کنفرانسی به سن دیگو در جنوب کالیفرنیا بیاید. از او خواستم که در سفرش با من تماس بگیرد تا شاید بتوانیم دیداری تازه کنیم.

از دکتر مینا ایزدیار خبری نداشتم تا اینکه شنیدم به بیماری سختی دچار شده است و در نزد فرزندانش در آمریکا مشغول به درمان است که پس از مدتی متاسفانه معالجات موثر نیافت و سرانجام در ماه جون ۲۰۱۳ در ایالت ویسکانسین آمریکا چشم از جهان فرو بست.

دکتر مینا ایزدیار در تاریخ ۹ مهرماه ۱۳۲۸ خورشیدی در کرمان به دنیا آمد . پدرش داریوش ایزدیار و مادرش

تالاسمی چیست؟

تالاسمی یک بیماری ارثی است . بدن بیماران مبتلا به تالاسمی نمی تواند به اندازه کافی هموگلوبین (رنگدانه موجود در سلولهای قرمز خون) تولید نماید، در نتیجه بیماران نیازمند تزریق خون می باشند . در اثر تزریق خون های مکرر این عزیزان به مشکل تجمع آهن در بدن مبتلا می شوند. آهن اضافی مشکلات فراوانی را برای آنان به همراه دارد که در صورت عدم درمان مناسب با داروی چنگک کننده این مشکلات به صورت دیابت ، بیماری قلبی، کاهش رشد، تاخیر در بلوغ و ... بروز مینماید. بیماران تالاسمی برای اجتناب از عوارض آهن ناچارند از داروی چنگک کننده استفاده کنند که در دسترس ترین و کم عارضه ترین چنگک کننده ، دفروکسامین با نام تجاری دسفرال است.....

جشنواره علمی زنده یاد دکتر مینا ایزدیار برگزار می شود

مهندس پرویز ملک پور همسر زنده یاد دکتر مینا ایزدیار در این باره گفت : قرار است از برگزارندگان این جشنواره علمی که از بین تمام زرتشتیان ایران اهورایی انتخاب می شوند، در روز نهم مهرماه هم زمان با زادروز آن بهشتی روان مورد تقدیرشود. ایشان هدف از برگزاری این یادواره را ایجاد انگیزه در میان همکیشان در زمینه ارتقاء کیفیت در فراگیری علوم مختلف، شناخت و تشویق نخبگان علمی هازمان زرتشتی دانست و با ابراز امیدواری که این یادواره زمینه معرفی و آشنایی همکیشان با برگزارندگان علمی را فراهم کند ، تا کید کرد که هیات داوران این جشنواره از همکیشان شاخص و اساتید و نخبگان علمی جامعه زرتشتی خواهند بود.

وی همچنین ، مراتب تشکر و سپاس خود و خانواده اش را در خصوص مهندس پرویز ملک پور همسر زنده یاد دکتر مینا ایزدیار در این جشنواره علمی اهورایی انتخاب می شوند، در روز نهم مهرماه هم زمان با زادروز آن بهشتی روان مورد تقدیرشود. ایشان هدف از برگزاری این یادواره را ایجاد انگیزه در میان همکیشان در زمینه ارتقاء کیفیت در فراگیری علوم مختلف، شناخت و تشویق نخبگان علمی هازمان زرتشتی دانست و با ابراز امیدواری که این یادواره زمینه معرفی و آشنایی همکیشان با برگزارندگان علمی را فراهم کند ، تا کید کرد که هیات داوران این جشنواره از همکیشان شاخص و اساتید و نخبگان علمی جامعه زرتشتی خواهند بود.

آموزان شاخص زرتشتی که در سال اعطای جایزه دوره اول دبیرستان (راهنمایی) را به پایان رسانده اند و سطح ۴: بالاترین معدل قبولی دانش آموزان شاخص زرتشتی که در سال اعطای جایزه ، دوره دبستان را به پایان رسانده اند.

چگونگی شرکت در این جشنواره بر اساس آیین نامه تدوین شده، در سطح ۱ و ۲: از طریق ارسال مدارک و نام واجدین شرایط توسط هر ارگان زرتشتی و یا هر شخص حقیقی و حقوقی به دبیرخانه تا تاریخ ۱۵ شهریورماه هر سال و در سطح ۳و۴: از طریق ارسال مدارک و نام واجدین تایید شده توسط هر یک از انجمن های زرتشتی نشین به دبیر خانه تا تاریخ ۱۵ شهریور ماه هر سال است علاقه مندان به شرکت در این جشنواره می توانند مدارک خود را به صندوق پستی ۵۹۳-۱۳۱۴۵ ارسال نمایند.

بنابراین گزارش در پی در گذشت زنده یاد دکتر مینا ایزدیار، ۲۷ تیرماه نیز مجلس یادبودی از طرف موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان (محک) به همراه انجمن تالاسمی ایران و انجمن خون و سرطان کودکان ایران به پاس گرامیداشت یاد و خاطره این بهشتی روان برگزار شد.

در این مجلس که مجلسی در خور شخصیت دکتر مینا ایزدیار بود، متاسفانه تعداد کمی از زرتشتیان حضور داشتند. در این نشست همکاران و بیماران شفا یافته در وصف خانم دکتر ایزدیار سخن گفتند.

روانشاد مینا ایزدیار، موسس انجمن تالاسمی ایران، استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، متخصص اطفال، فوق تخصص خون و سرطان که سابقه مدیریت بخشهای مختلف بیمارستان های بنام تهران و بویژه ریاست بخش خون و سرطان مرکز طبی کودکان را بر عهده داشت در اثر بیماری در گذشت.

«هگمتانه» نخستین شهر ایران است که در حدود سال ۷۲۸ پیش از میلاد به دستور حاکم ماد به عنوان پایتخت بنا شد. هگمتانه که به معنای محل تجمع است پس از دوره ماد و در زمان هخامنشیان پایتخت بیلاقی باقی ماند. این شهر در دوره‌های اشکانی، سلوکی، ساسانی و پس از اسلام نیز اهمیت خود را حفظ کرد.

مورخان بسیاری درباره این شهر نوشتند و توصیف‌های مختلفی صورت گرفت، از آن جمله هفت حصار، هر یک به رنگی بر گرد آن کشیده شده بود. باید یادآور شد که این باروها برای مراقبت از کاخ و گنجینه فرمانروا بنا شده بود و مردم عادی می‌بایست خانه‌های خود را بیرون از این دیوارها می‌ساختند.

اینک بافت تاریخی هگمتانه در مرکز شهر همدان واقع شده و بارها موضوع کاوش باستان‌شناسان ایرانی و خارجی قرار گرفته است. طی این کاوش‌ها اشیای متعددی علاوه بر بخش‌های مختلفی

با توجه به آنچه گفته شد، هگمتانه می‌تواند مبدأ خوبی برای سفر و بازدید آثار در همدان باشد. این مجموعه که با وسعت تقریبی ۲۵ هکتار در دو سوی خیابان قرار دارد چند اثر دیگر شامل موزه هگمتانه، کلیسای مریم مقدس و کلیسای گریگور استپان را نیز در خود جای داده است.

جست‌وجو در این محوطه باستانی برای یافتن شهر مادها از سال‌ها پیش آغاز شد. دمرگان و کیترا از جمله کسانی هستند که بیشتر از دیگران به هگمتانه توجه داشتند. شارل فوسی نیز در سال ۱۹۱۳ میلادی در گودال معروف به شترخواب یا گودال فرانسوی‌ها که مقابل موزه هگمتانه قرار دارد، دست به کاوش‌هایی زد که هیچگاه گزارشی از نتایج آن منتشر نشد. پس از یک وقفه، مرکز باستان‌شناسی ایران در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ اقدام به خرید منازل مسکونی موجود بر تپه هگمتانه کرد و عملیات تا سال ۵۳ ادامه یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی کاوش‌های

سفر به نخستین پایتخت ایران



باستان‌شناسی در سال ۱۳۶۲ آغاز شد.

موزه هگمتانه در شرق این مجموعه و جنب گودال فرانسوی‌ها قرار دارد و ساختمان آن که پیشتر مدرسه پرورش نامیده می‌شد با تعمیراتی، تغییر کاربری داد. ساختمان موزه هگمتانه که در مرکز محوطه باستانی هگمتانه قرار دارد، بین سال‌های ۲۵-۱۳۲۰ شمسی با عنوان مدرسه پرورش فعال بود. در دهه ۱۳۵۰ به منظور اجرای برنامه‌های پژوهشی و باستان‌شناسی به تملک مرکز باستان‌شناسی آن زمان درآمد و تبدیل به مخزنی برای نگهداری آثار شد.

موزه هگمتانه را با توجه به انواع اشیاء و آثار باستانی عرضه شده می‌توان به دو بخش تاریخی و اسلامی تقسیم کرد. اشیاء هر دو بخش حاصل کاوش‌ها و یا از طریق



مانند قسمتی از سیستم آبرسانی، بناها و همچنین حصار دور آن کشف شد. هرچند کاوش‌های اخیر توسط زنده‌یاد مسعود آذرنوش، نشان داد که هگمتانه متعلق به مادها نبوده و این پایتخت افسانه‌ای احتمالاً در جای دیگری از همدان واقع شده‌است.

خرید، اهدا و توقیف حاصل شده است. بیشترین آثار و اشیاء موزه را آثار سنگی و سفالی تشکیل می‌دهد.

همان طور که اشاره شد در شمال غرب مجموعه و در محله آرامنه، کلیسای گریگور متعلق به مذهب پروتستان و در جنوب غرب مجموعه کلیسای مریم مقدس متعلق به مذهب ارتدوکس از بخش‌های دیدنی هستند.

پس از کهن‌ترین بخش، شاید پیش از هر نقطه دیدنی دیگر، لازم باشد به آرامگاه‌های باباطاهر، شاعر نامی، و بوعلی سینا، دانشمند جهانی پرداخت که هیچ مسافری بدون دیدن این دو اثر، همدان را ترک نمی‌گوید.

ابن سینا، نادره دوران خود که در علوم گوناگون منطق، ریاضی، نجوم، شیمی و طب صاحب نظر بود حدود ۹۸۰ میلادی در شهر «خورمیس» از توابع بخارا به دنیا آمد. به گرگان و ری سفر کرد و مدتی نیز در همدان وزیر دربار دیلمی بود که علاوه بر آن در مدرسه بزرگ شهر نیز تدریس می‌کرد. زمانی که درگذشت در باغ دوست خود، ابوسعید دخوک به خاک سپرده شد و بنایی به شکل چهارطاقی بر مزارش ساخته شد. در زمان قاجار تجدید بنا شد، اما سال ۱۳۳۳ خورشیدی بنای فعلی به دست هوشنگ سیحون بر اساس برج گنبد قابوس احداث شد. بنای آرامگاه تلفیقی از دو سبک معماری ایران باستان و ایران بعد از اسلام است که با بهره‌گیری از هنر معماری سنتی و شیوه‌های نوین استفاده شده است.

ابن سینا که در علوم بسیاری مطرح است، آثار بسیاری داشته که هر کدام، برای کتابخانه‌های صاحب اثر در دنیا امتیاز به حساب می‌آید. بنابراین بازدید از آرامگاه این دانشمند بزرگ برای گردشگر ایرانی و خارجی یک فرصت خواهد بود.

به قبرستان گذر کردم صبحی / شنیدم ناله و افغان و آهی / شنیدم کله‌ای با خاک می‌گفت / که این دنیا نمی‌ارزد بکاهی

هنگامی که به سوی دیگر و میدان باباطاهر بروید، یادی می‌شود از عارف نامی قرن پنجم که به واسطه زندگی ساده و بی‌پیرایه، باباطاهر عریان نام گرفت. وی دوبیتی‌های مشهوری دارد که در آنها از واژه‌های عامیانه در دوران خود استفاده شده است. پس از درگذشت، در دوران‌های مختلف، بناهای متفاوتی بر مزارش بنا شد تا آن که هم‌زمان با بنای آرامگاه بوعلی سینا، آرامگاه جدید باباطاهر نیز ساخته شد

احداث این بنا در سال ۱۳۴۴ شمسی با همت انجمن آثار ملی و شهرداری وقت همدان و توسط مهندس محسن فروغی انجام شده است. در اطراف بنای جدید، فضای سبز وسیعی احداث شده، که زیبایی آن را دوچندان کرده است. مدفن برخی از بزرگان و ادیبان به نام محمد ابن عبدالعزیز از ادبای قرن سوم هجری، ابولفتح اسعداز فقهای قرن ششم، حاجی میرزا عل نقی کوثر از دانشمندان قرن سیزدهم و مفتون همدان از شعرای قرن چهاردهم در کنار باباطاهر قرار گرفته است.

دیگر اثر معروف شهر همدان، گنبد علویان است که از نظر هنر گچبری و آجرکاری

کم‌نظیر است. از برخی جهات شبیه گنبد سرخ مراغه و همچنین گنبد حیدریه قزوین است. گنبد علویان در چهار باغ علویان، در نزدیکی میدان امام رزاده عبدالله قرار دارد. این گنبد یکی از یادمان‌های متعلق به اواخر دوره سلجوقیان در قرن ششم هجری است، که توسط خاندان علویان ابتدا به عنوان مسجد احداث شده است و سپس در دوره‌های بعد با ایجاد سردابی در زیرزمین، به مقبره آن خاندان تبدیل شده است. لازم به ذکر است گنبد این بنا که مدفن دو تن از خاندان علویان بوده، در اثر گذشت زمان فرو ریخته و باقی‌مانده است.

همدان را می‌توان به واسطه جنگ نهاوند از جمله اولین شهرهایی دانست که مردمش دین اسلام را پذیرفتند، از این رو شاید انتظار دارید تا مسجدی از آن دوران یادگار مانده باشد. و تاریخ ۱۲۵۳ قمری برای ساخت مسجد جامع که محققان معتقدند جایگزین بنای دیگری شده، شما را متعجب کند. این مسجد در نزدیکی میدان امام خمینی، ابتدای خیابان اکباتان قرار گرفته و تاریخ ساخت آن، که بر لوحه‌ای در قطاربندی جلو ایوان بزرگ مسجد نگاشته شده که مقارن حکومت فتحعلی شاه قاجار است.

در شهرهای اسلامی پس از مسجد، از دیدن حمام، بازار و کاروانسرا که معمولاً در کنار هم قرار دارند، نباید غافل شد. از این رو بعد از مسجد به دیدن حمام قلعه می‌رویم که اینک به موزه و سفره‌خانه تبدیل شده است. این حمام در محله قدیمی قلعه یا قاشق‌تراشان واقع شده و به احتمال زیاد متعلق به دوره قاجار است. در حال حاضر تبدیل به موزه مردم‌شناسی و سفره‌خانه شده و پذیرای مسافران همدان است.

مجموعه بازار سنتی و کاروانسراهای شهر همدان، که از چندین بازار و راسته‌بازار، سرا و کاروانسرا تشکیل شده، اکثراً با سبک معماری دوره قاجاریه ساخته شده‌اند. پیش از این هر راسته به صنفی تعلق داشت که دیگر چنین نیست. سقف بازار در نقاطی فرو ریخته که با سقفی از جنس‌های امروزی جایگزین شده است.

از میان کاروانسراهای همدان، دو کاروانسرای گلشن و حاج میرزا کاظم در خیابان اکباتان روبه‌روی هم قرار دارد که کاروانسرای گلشن اینک محل فروش گلیم و موکت و پارچه است. این کاروانسرا ورودی دیگری از سمت بازار صحافخانه نیز دارد.

همچنان آثاری در شهر باقی مانده که باید دید تا بتوان قصد جاذبه‌های گردشگری خارج از شهر را کرد. برج قربان یکی از آثار تاریخی قرن هفتم یا هشتم هجری است، که در محل زندی‌های شهر همدان، در خیابان طالقانی، جنب دبیرستان ابن سینا واقع است. این بنای آجری که تا حدی به گنبد قابوس شباهت دارد، مدفن شیخ‌الاسلام حسن بن عطار، یکی از زهاد، محدثان و حافظان قرآن و جمعی از امرای دوره سلجوقی است.

آرامگاه استر و مردخای در مرکز شهر همدان، ابتدای خیابان دکتر شریعتی



تندیس بابک خرم‌دین در باکو آذربایجان ساخته شد !!

حتما درباره ی بابک خرم‌دین تا کنون شنیده اید! سردار بزرگ ایرانی که از آذربایجان کنونی بر علیه حکومت اعراب که پس از حمله شان به ایران به پا کرده بودن به پا خاست... ولی ماجرا به همینجا

ختم نمی شود! بابک خرم‌دین نماد وفاداری به ایران است! او به همراه مازیار بر علیه حکومت اعراب قیام کرد و سر انجام به دست ناپاک ترین و دجال ترین حاکم بنی عباس پس از تحمل زجر بسیار کشته شد. کشته شدن بابک همواره یکی از رویداد هایست که در آن اوج وفاداری و پایداری

به میهن پاکمان ایران دیده می شود. بابک بدون شک یکی از اسطوره های تاریخ ایران زمین است و اعدامش بدون شک

میزدند نود نود این اسم دژخیم بود و همه او را میشناختند.

ابن جوزی می نویسد که وقتی بابک را برای اعدام بردند خلیفه در کنارش نشست و به او گفت: تو که این همه استواری نشان میدادی اکنون خواهیم دید که طاقتت در برابر مرگ چند است. بابک گفت: خواهید دید. چون یک دست بابک را به شمشیر زدند، بابک با خونی که از بازویش فوران میکرد صورتش را رنگین کرد. خلیفه از او پرسید: چرا چنین کردی؟ بابک گفت: وقتی دست هایم را قطع کنند خون های بدنم خارج می شود و چهره‌ام زرد میشود، و تو خواهی پنداشت که رنگ رویم از ترس مرگ زرد شده است چهره‌ام را خونین کردم تا زردیش دیده نشود. به این ترتیب دستها و پاهای بابک را بریدند. چون بابک بر زمین در غلتید، خلیفه دستور داد شکمش را پاره کنند. پس از ساعاتی که این حالت بر بابک گذشت، دستور داد سرش را از تن جدا کنند.

آخرین گفتار بابک چنین بوده است:

تو ای معتصم، خیال مکن که با کشتن من فریاد استقلال طلبی ایرانیان را خاموش خواهی کرد من لرزه ای بر ارکان حکومت عرب انداخته ام که دیر یا زود آن را سرنگون خواهد نمود. تو اکنون که مرا تکه تکه می کنی هزاران بابک در شمال و شرق و غرب ایران ظهور خواهد کرد و قدرت پوشالی شما پاسداران جهل و ستم را از میان بر خواهد داشت. این را بدان که ایرانی هرگز زیر بار زور و ستم نخواهد رفت و سلطه بیگانگان را تحمل نخواهد کرد. من درسی به جوانان ایران داده ام که هرگز آنرا فراموش نخواهند کرد. من مردانگی و درس مبارزه را به جوانان ایران آموختم و هم اکنون که جلاد تو شمشیرش را برای بریدن دست و پاهای من تیز میکند صدها ایرانی با خون بجوش آمده آماده طغیان هستند. مازیار هنوز مبارزه میکند و صدها بابک و مازیار دیگر آماده اند تا مردانه برخیزند و میهن خویش را از دست متجاوزان و یوغ اعراب بدوی و مردم فریب برهانند.

بدین سان نخست دست چپ بابک بریده شد و سپس دست راست او و بعد پاهایش و در نهایت دو خنجر در میان دنده هایش فرورفت و آخرین سخنی که بابک با فریادی بلند بر زبان آورد این بود: پاینده

ماهنامه زرتشتیان

آگهی می پذیرد

تلفن

۲۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

ایران...

روز اعدام بابک خرم‌دین و تکه تکه کردن بدنش در تاریخ ۲ صفر سال ۲۲۳ هجری قمری انجام گرفت که مسعودی در کتاب مشهور مروج الذهب این تاریخ را برای ایرانیان بسیار مهم دانسته است. اعدام بابک چنان واقعه‌ی مهمی تلقی شد که محل اعدامش تا چند قرن دیگر بنام خشبیه بابک یعنی چوبه‌ی دار بابک در شهر سامرا که در زمان اعدام بابک پایتخت دولت عباسی بود شهرت همگانی داشت و یکی از نقاط مهم و دیدنی شهر تلقی می شد.

برادر بابک یعنی آذین را نیز خلیفه به بغداد فرستاد و به ناپیش در بغداد دستور نوشت که او را مثل بابک اعدام کند.

طبری می نویسد که وقتی دژخیم دستها و پاهای برادر بابک را می برید، او نه واکنشی از خودش بروز میداد و نه فریادی برمی آورد. جسد این مرد را نیز در بغداد بردار کردند.

کات ها سروده های زرتشت

ای اهورمزدا،

باشد که از آن تو باشیم،
و از کسانی باشیم که جهان را
تازه میگرداند.

زمانی که خرد دستخوش
سستی و ناستواری است،
راستی به یاری ما می آید
و اندیشه ما را به هم نزدیک
میگرداند.

یسنا ۳۰ بند ۹

شاد باش

بشن مهرگان، جشن مهر و دوستی،
آشتی و پیروزی، جشن شادی و
زندگی، جشن همبستگی را به همه هم
میهنان گرامی و همکیشان ارجمند شاد
باش گفته و شادی و سربلندی را برای
همگان خواستاریم.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

از: مهیندخت دهنادی

خیابان ولیعصر، تونل درختی تهران



پیرامون آن زندگی می‌کردند دارای ارج و قرب فراوانی بود. نخستین کالسکه‌های زیبا برای اشراف ساکن در این خیابان ساخته شد و در این خیابان به‌راه افتاد. در سال ۱۳۰۹ خورشیدی مجلس شورای ملی، قانونی را برای ساخت و گسترش خیابان‌های تهران تصویب کرد و پس از آن، روند ساخت این راه ویژه آغاز شد در آن روزگار بخش شمیرانات بیشتر مانند بیلاقی بود که این راه نیز به شکل جاده‌ای از میان تپه‌ها می‌گذشت و چندان همانندی به خیابان‌هایی دیگر همچون سپه (امام خمینی) و شاهرضا (انقلاب) که پیرامون آنها ساختمان‌های نوین ساخته شده بود، نداشت. این راه با چنار یک‌دست در کنار آن شناخته می‌شد.

این خیابان سرانجام در سال‌های نخست روزگار پهلوی (رضاشاه) ساخته شد. برپایه‌ی گزارش روزنامه‌ی اطلاعات، در زمان رضاشاه این خیابان از نخستین خیابان‌های تهران بود که تصمیم به آسفالت کردن آن گرفته شد. درازای آن ۲۵ کیلومتر است که از میدان راه‌آهن تهران آغاز می‌شود و در پایان به میدان تجریش در بخش شمیرانات می‌رسد. این خیابان دارای پیاده‌رو، جوی بزرگ آب و نزدیک به ۳۰ هزار درخت در هر سوی است، یعنی در هر متر ۲ درخت و در سرتاسر خیابان ۶۰ هزار درخت کاشته بودند که این شمار اینک به یازده هزار چنار در دو سوی خیابان کاهش یافته است. خیابان ولیعصر از بخش‌های سنتی خرید تهران است و پارک‌های بزرگ ملت و ساعی در کنار این خیابان است.



این خیابان از روزگارهای دور جایی برای گردشگران داخلی و خارجی بوده است و همه‌ی این ویژگی‌ها گویای ارزش بالای این خیابان است. پیتر و دلواله، جهانگرد ایتالیایی سده‌ی ۱۷، نوشته‌است: «اگر استانبول شهر سروهاست، تهران را باید شهر چنارها خواند.» بی‌گمان او در سفرش به تهران سری هم به این خیابان زده است. شاید اگر این روزها به تهران آمده بود می‌گفت تهران را باید «شهر ساختمان‌ها» خواند.

دوستی می‌گفت: «بچه که بودم، به خیابان ولیعصر می‌گفتم «تونل درختی» و هرگاه دلم می‌گرفت به پدرم می‌گفتم برویم تونل درختی» این تونل درختی برای بسیاری از تهرانی‌ها و ایرانی‌ها زیباترین خیابان است. خیابانی که سرتاسرش در دوسو، درختان چنار سر به آسمان گذارده‌اند. برعکس دیگر جاها که این روزها، ساختمان‌ها از درختان پیشی‌گرفته‌اند، هنوز در این خیابان درخت‌ها از ساختمان‌ها بلندترند. گرچه گهگاه در میان همین درختان، تنه‌های بریده‌شده‌ای به چشم می‌خورد که دل‌آزارند و هماهنگی را برهم‌زده است. هرچند باوجود پیاده‌روسازی و بسترسازی جوی آب، هنوز هم چنارهای درحال خشک‌شدن و یا بیمار دیده می‌شود، ولی دیدن تنومندی دیگر درختان کهنسالش این زشتی‌ها را از یاد می‌برد.

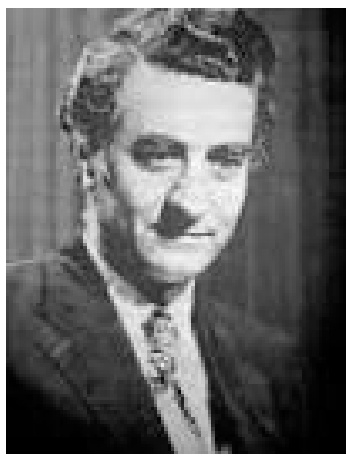
بهارش همچون همه جا زیباست. تابستانش از هر زمان دیگری بهتر است زیر سایه‌سار درختان چنار، این خیابان تهران از همه جا خنک‌تر است. پاییزش آن‌چنان زیباست که گام برداشتن در میان انبوه برگ‌های زرد چنار را، از هرکاری دل‌انگیزتر می‌کند. خرچ و خروجی دلچسب که پایان ندارد و زمستانش از درختان به برف نشسته، کارت پستالی طبیعی می‌سازد. خیابانی که چهار فصلش دیدنی است. کاش می‌شد چاره‌ای اندیشید که چنارهای زیبای این خیابان که رفته‌رفته به «چناردودی» دگرگون می‌شوند، دمی بیاسایند. اگر آمدن خودروها به این خیابان در هر دوسو ممنوع شود و به جای آن وسیله‌ای تندرو و بدون آلودگی برای رفت‌وآمد همگان فراهم شود، هم درختان در آسایشند، هم پیاده‌ها و هم سواره‌ها.

درختانی که بیش از ۷۰ سال سن دارند و خیابانی که نزدیک به ۸۰ سال عمرکرده است شاید چیز چندانی از ما نخواهند، به‌جز دمی آرامش. خیابان ولیعصر، خیابانی که «درازترین خیابان شهری خاورمیانه» نامیده شده است و میراث ملی به شمار می‌آید، نه‌تنها از آن ما که از آن آیندگان هم هست. با کمی کندوکاو در پیشینه و ویژگی‌های این خیابان ارزشش بیش از پیش برایمان روشن می‌شود.

خیابان امیریه، خیابان پهلوی و خیابان دکتر مصدق نام‌های پیشین خیابان ولیعصر کنونی بودند. این خیابان که در روزگار قاجار تفاوت‌های بسیاری با خیابان امروزی داشت، یکی از بزرگ‌ترین و دل‌انگیزترین گردشگاه‌های مردم به‌شمار می‌آمد و چون بیشتر پولداران شهر

«بهرام فره‌وشی» یار نیک‌پیمان

و هم‌اندیش زنده‌یاد «پورداوود»



ایران‌زمین)، «راهنمای گردآوری گویش‌ها»، برگردان «کتاب ششم دینکرت»، برگردان «هنر

زبان‌های اوستایی، پارسی باستان، پهلوی، اساتیر ایرانی، دبیره‌های (خط) باستانی، گویش‌شناسی ایرانی و تمدن ایران باستان پرداخت.

ایران در دوران پارتی و ساسانی» نوشته‌ی گیرشمن، برگردان «کارنامه اردشیر بابکان» (همراه با نوشتارهای پهلوی و آوانویسی و واژه‌نامه)، «ایران‌ویچ». زنده‌یاد بهرام فره‌وشی، در روز ۸ خرداد ۱۳۷۱ هنگامی که برای درمان به آمریکا رفته بود در «سن‌خوزه» درگذشت. پیکرش را در ایران، در ۲۸ خرداد به خاک سپردند.

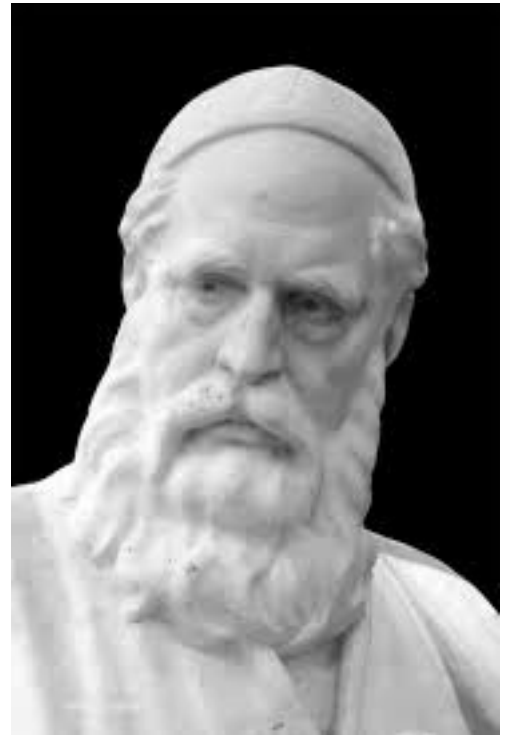
در این سال‌ها با تلاش او بخشی از دست‌نوشته‌های استاد پورداوود چاپ شد. بهرام فره‌وشی چندی سرپرست بنگاه ترجمه و نشر کتاب بود و سپس کارگزار چاپخانه و نشر دانشگاه تهران شد. وی در سال‌های دهه‌ی ۱۳۵۰ فراهم‌کننده‌ی برنامه‌ی فرهنگ ایران زمین در تلویزیون ملی بود. از میان نوشته‌های او می‌توان چند دفتر زیر را برشمرد: «فرهنگ پهلوی» در دو پوشینه (پهلوی به فارسی و فارسی به پهلوی)، «جهان فروری» (بخشی از فرهنگ

«بهرام فره‌وشی» در سال ۱۳۰۴ خورشیدی از خانواده‌ای اصفهانی در ارومیه، زاده شد. پدرش علی‌محمد فره‌وشی از پایه‌گذاران آموزشگاه‌های نوین در ایران به شمار می‌رفت.

بهرام فره‌وشی نخستین سال‌های دانش‌سرا را در اصفهان در سال ۱۳۲۳ خورشیدی به پایان رساند و کارشناسی زبان فرانسوی را در دانش‌سرای عالی در تهران سپری کرد. در همین سال‌ها یک بنیاد چاپ و نشر به نام «آتشکده» برپا کرد. وی از یاران نزدیک زنده‌یاد «ابراهیم پورداوود» بود و هم به اندرز او بود که در سال ۱۳۳۶ خورشیدی برای گذراندن آموزش‌های «ایران‌پژوهی» به پاریس رفت و دکترای خود را در تمدن، زبان و ادب ایرانی گرفت. پس از چندی به سویس رفت و به آموزش در گویش‌های ایرانی در دانشگاه برن پرداخت. در این سال‌ها از نزدیک با استادان برجسته در زمینه‌ی تمدن، زبان‌ها و دین‌های ایران باستان همچون «امیل بونویست» و «ژان دومناش» آشنا شد. بهرام فره‌وشی در سال ۱۳۴۱ به ایران بازگشت و در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران به آموزش

از: آن‌اهیتا کویانی

رازهای زندگی و مرگ، در خراز دویتی‌های پیام



سویه ادبی خیام، یعنی آن بخشی از زندگی و اندیشه او که از ستاره شناسی و ریاضی دور و به ادبیات و شعر نزدیکتر است، یکی از چالش برانگیزترین سراینندگان تاریخ ادبیات پارسی را آفریده است. اگر در تاریخ ادبی این مرز و بوم نگاهی بیفکنیم، برخوردها و چالش‌های بسیاری را در زندگی اجتماعی و اندیشه فلسفی سراینندگان بزرگ ایرانی می‌بینیم؛ روایت‌هایی از جلوگیری از خاکسپاری حافظ در گورستان شهر، با پارچه جابه‌جا کردن مثنوی مولانا برای خودداری از نجس شدن و از این دست. اما هیچ‌گاه این‌ها نتوانسته به اندازه سخنان خیام، آشوبگر و توفان‌زا باشد. چیست این اندیشه و سخن برآشوبنده که گاه به کفر و گاه به تناسخ و گاه به صوفی‌گری برداشت می‌شود؟

خیام که فرزند چادردوزی به نام ابراهیم است و نام خیام را نیز بدین روی به یدک می‌کشد، پیش از آن که یک سراینده باشد،

یک ستاره‌شناس چیره‌دست است که گاه‌شمار خورشیدی کنونی نیز از دستاوردهای او و گروهی از همکارانش در روزگار ملک‌شاه سلجوقی، به شمار می‌رود. این‌که چه نسبتی میان این دو سویه ادبی و دانشی در زندگی او هست، خود سخن ویژه‌ای است. شاید به برداشت برخی، جایگاه اجتماعی سراینده‌ی، در روزگار سراینندگان درباری و مدح‌گوینده آن اندازه پایین بوده باشد که خیام را بر آن داشته تا بیشتر غرق دنیای ستارگان شود. یا این‌که دویتی‌های او، جوشش و نمود شناخت و آگاهی او از عرفان به یاری ابزار علم است. چه این‌که دویتی یا رباعی، گونه‌ای ادبی است که به خاطر کوتاهی، فشردگی و پختگی معنایی بسیاری می‌خواهد.

دیگر ویژگی اندیشه و سخن خیام، مساله افزوده و کاسته‌هایی به سروده‌هایش است. ما درباره مثنوی مولانا یا شاهنامه فردوسی نیز درباره بیت‌های افزوده شده می‌شنویم. اما چون شمار سروده‌های خیام کمتر است، این پدیده نمود بیشتری یافته است. به ویژه آن‌که هر دویتی برای خود مستقل بوده و هر کس می‌خواسته اندیشه‌اش بهتر به گوش دیگران برسد، سروده‌اش را به نام خیام گسترانده است.

فرازهای معنایی سخن خیام در چند سخن چکیده می‌شود. این دایره فشرده، یا از این روی است که گستره زندگی شاعرانه خیام کم بوده و یا این‌که اندیشه او برخی حقایق را پررنگ‌تر دریافته است.

شاید بتوان اندیشه‌های کلیدی در سخن خیام را در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد:
الف: گذر پرشتاب عمر: یکی از فرازهای مهم سخن خیام، زودگذری عمر و به پایان رسیدن زندگی در یک چشم به هم زدن است. خیام همواره از این گلایه‌مند است که تا چشم برهم می‌زنی این زندگی به پایان می‌رسد و ما به خاک می‌پیوندم.

آنها که کهن شدند و اینها که نواند
هر کس به مراد خویش یک تک بدوند
این کهنه جهان به کس نماند باقی
رفتند و رویم و دیگر آیند و روند
و یا:

افسوس که نام‌های جوانی طی شد
وان تازه بهار زندگانی دی شد
آن مرغ طرب که نام او بود شباب
فریاد ندانم که کی آمد کی شد

ب: آشکار نبودن آنچه حقیقت می‌پنداریم: خیام در چندین دویتی، بر مدعیان دانستن، نفیر می‌زند که این چیزی که شما بر آن می‌نازید و آن را حقیقت آشکار می‌دانید، هیچ قطعیتی ندارد. این برای ما آدمیان بسیار ناگوار است که روزی دریابیم هر آنچه که بر آن پا می‌فشرده‌ایم، فرو ریزد.

چون نیست ز هر چه هست جز باد به دست
چون هست به هر چه هست نقصان و شکست
انگار که هر چه هست در عالم نیست
پندار که هر چه نیست در عالم هست
و یا:

کس مشکل اسرار اجل را نگشاد

کس یک قدم از نهاد بیرون ننهاد
من می‌نگرم ز مبتدی تا استاد
عجز است به دست هر که از مادر زاد

پ: آگاهی ستایی: بر خلاف آن‌چه در یک نگاه سطحی به سروده‌های خیام درمی‌یابیم، او ما را به خوش‌گذرانی و لایلی‌گری فرامی‌خواند. بلکه همواره گونه‌ای از بیدارباش و فراخوان به هوشیاری و آگاهی را در سروده‌هایش می‌یابیم.

در خواب بدم مرا خردمندی گفت
کز خواب کسی را گل شادی نشکفت
کاری چه کنی که با اجل باشد جفت
می‌خور که به زیر خاک می‌باید خفت
ت: شادی و آسودگی: اما نمی‌توان انکار کرد که خیام همگان را به شادی و آسودگی فرامی‌خواند.

می‌خوردن و شاد بودن آیین من است
فارغ بودن ز کفر و دین، دین من است
گفتم به عروس دهر کابین تو چیست
گفتا دل خرم تو کابین من است
ث: فلسفه آفرینش: یک پرسش چالش‌برانگیز نزد خیام که میان بسیاری از فیلسوفان و اندیشمندان نیز رویی دارد، فلسفه آفرینش و چیستی این هستی است.

از آمدنم نبود گردون را سود
وز رفتن من جاه و جلالش نفزود
وز هیچ کسی نیز دو گوشم نشنود
کاین آمدن و رفتنم از بهر چه بود

بیاییم با طبیعت مهربان باشیم

برگه‌های تقویم را که ورق می‌زنم بر سر وظیفه دست به قلم می‌شوم که تلنگر بزنم بر خود و خوانندگان که: ای مردم چه نشسته‌اید که باز روزگار گذشت و روزها سپری شد و باز رسیدیم به روز محیط زیست. باید فلان کنیم و بهمان کنیم و سرزمینمان را که نه، کره‌ی زمینمان را که نه، جهان هستی را باید نگاهداری کنیم و در پاک نگاه داشتنش بکوشیم و برای نسل‌های پس از خودمان سالم نگهش داریم و داد سخن می‌دهیم که این راه و آن راه بهتر است. غافل از این که قلم‌فرسایی بر سر وظیفه است و گاه از سر احساس گناه و این‌که بخواهی باری از دوش خود برداری.

راستی اکنون که داریم به خود تلنگری می‌زنیم از ۱۵ خرداد که از این روز نوشته‌ایم تا این ۱۵ خرداد که باز دست به قلم شده‌ایم برای نگاهداری محیط زیستمان چه کرده‌ایم؟ جز این‌که گاهی اگر جایی که به سفر رفتیم و آن‌جا پر از زباله بود سرها تکان دادیم که فرهنگ مردم کجا رفته است یا این‌که اگر قصد گردش یک روزهای داشته‌ایم ساعت‌ها برای پیدا کردن جایی برای نشستن زمان گذاشته‌ایم و از انبوه زباله که همه جا و همه جا بر گستره‌ی زمین پهن شده بود، نالان شدیم.

ما آدم‌هایی که ادعای فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و خاک و حیوانات داریم و جز دغدغه‌هایمان به‌شمار می‌رود، برای نگاهداری محیط زیست چه تلاشی کرده‌ایم؟ راستی چه بی‌خبر از آن‌چه بر پیرامونمان می‌گذرد روزگار می‌گذرانیم. خبر داریم که همین روزها که ما دم از این همه دغدغه‌های محیط زیستی می‌زنیم درنای سبیری و بالابان سر سفید و میش مرغ و عقاب طلایی و اردک مرمری در معرض خطر انقراض هستند و آن هم از سر تخریب و نابودی تالاب‌ها و یا این‌که یوز ایرانی و گوزن زرد و خرس سیاه و گور خر ایرانی از سر نامهربانی ما نسل‌شان رو به نابودی است؟ بی‌گمان در خبرها شنیده‌ایم که جنگل ابر را برای این‌که دستمان زودتر به ابرها برسد دارند جاده‌اش می‌کنند یا این‌که درخت‌های بلوط دنا یکی یکی دارند بریده می‌شوند تا جای‌شان را ساختمان‌هایی بتنی بگیرند. دریاچه‌ی ارومیه را یادمان هست؟

از مردم که بگذریم و بهانه بیاوریم که سخت است با این همه مشکلات به فکر محیط زیست بودن، با مصوبات دولت باید چه کرد که دارد حکم نابودی جنگل‌ها را برای تبدیل شدن به زمین‌های صنعتی می‌دهد؟ این‌که منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی کویر را داریم برای اکتشافات نفتی از دست می‌دهیم چه باید گفت؟ راستی تاکنون یادی از جنگلبانانی که از سر عشق زمین جان در کف نهاده‌اند کرده‌ایم؟ و با این همه ادعای دانستن و آگاهی، از سمندر لرستان که دارد نابود می‌شود چیزی می‌دانیم؟ یا این‌که در اخبار شنیده‌ایم که وضعیت نگران‌کننده‌ی اکوسیستم خزر داد همگان را در آورده است؟ می‌دانستیم که پارک ملی نایبند، نخستین پارک دریایی ایران، دارد نابود می‌شود و باز بسیار جاهای دیگر دارند نابود می‌شوند و بسیار موجودات زنده‌ی دیگر می‌میرند از سر بی‌فکری و نامهربانی من انسان.

ترسم از روزی است که تا به خودمان بیاییم دیگر هیچ بر زمین نمانده باشد و همه را نابود کرده باشیم. ترسم از این است که دیگر ابری بر سرزمینم باران نباراند که من به خاطر دست یافتن به ابرها درخت‌ها را نابود کرده باشم. ترسم از این است که فرزندانم جز من جاننداری دیگر نبینند و نشناسند. بیایید کمی زودتر به خودمان تلنگر بزنیم که بد جور داریم زمین را نابود می‌کنیم.

از: صبا حیدری

از هوشنگ مهر خداوندی

قبل از اینکه دنباله مطالب شماره گذشته را که دفاع سیسیلی بود ادامه دهم لازم دیدم با توجه به تقاضای چندی از خوانندگان محترم مجله مهمترین نکات بازی شطرنج را که در واقع الفبای آن نیز می باشد توضیح دهم و بصورت فهرست وار یاد آور شوم. از پیاده ها شروع می کنم که فقط بطرف جلو حرکت می کنند و باز نمی گردند که این یکی از نقاط ضعف آنها می باشد. ولی اگر همین پیاده به خط هشتم برسد به هرچه می خواهید (وزیر یا رخ یا فیل و یا اسب) تبدیل میشوند. پیاده هر چه به جلو حرکت می کند ضعیفتر میشوند مگر اینکه توسط پیاده دیگر و یا مهره دیگر محافظت شوند. پیاده های دوبله حکم یک پیاده را دارند مگر در مواقع استثنایی که بسیار قدرتمند میشوند. اگر دو پیاده متصل را به خط ششم برسانید به اندازه یک رخ قدرت خواهند داشت درباره پیاده که از مهمترین مهر های شطرنج هستند در آینده مطالب زیادی خواهیم داشت تقریبا

پیاده	۱	۲ پیاده متصل در خط ششم	۶
اسب	۳۰۵	۲ اسب مساوی	۷
فیل	۳۰۵	۲ فیل مساوی	۱۰
رخ	۵	۲ رخ مساوی	۱۱
وزیر	۱۱		

۹۵ درصد شروع بازیها با پیاده می باشد و اما باید ها و نبایدهای شطرنج که بطور خلاصه شرح داده میشود :

- * سعی کنید پیاده دوبله درست نکنید و این برتری را به حریف خود ندهید که از آن بر علیه شما استفاده کند.
- * برتری ۲ فیل را حتی الامکان همواره حفظ نمایید در اینجا لازم است که ارزش مهره ها را بطور خلاصه یاد آور شوم. همانطور که ملاحظه کردید ارزش ۲ فیل ۱۰ می باشد و ارزش ۲ اسب ۷ می باشد با ۲ فیل میشود مات کرد ولی با ۲ اسب نمی شود.
- * سعی کنید کنترل یک ستون را داشته باشید و اگر توانستید ۲ رخ خود را به عرض هفتم برسانید.
- این یکی از نکات مهمی است که بازیکنان با تجربه در مقابل حریفان خود بکار میبرند.
- * ارزش مهره های خود را بدانید و با ارزشترین آنها را بدون مطالعه به میدان نیاورید مگر مطمئن باشید که آنها کارایی خود را دارند مثلا حرکت دادن وزیر در مراحل اولیه باعث میشود که حریف ب حمله به آن گسترش خود را زودتر از شما

شروع اولیه باعث میشود که حریف ب حمله به آن گسترش خود را زودتر از شما شروع نماید.

- * گسترش خود را هر چه سریعتر انجام دهید و مهره ها را چنان در جای مناسب قرار دهید که بتوانید در اسرع وقت به میدان بیایید و حداکثر کار آبی را داشته باشید. مثلا آوردن اسب به خانه F۳ H۳ و تفاوت کارایی آن را مورد توجه قرار دهید.
- * از آچمن مهره های خود شدیدا جلوگیری نمایید چون راه نجات تقریبا غیر ممکن میباشد.
- * سعی کنید در گرفتن مهره های رایگان دقت بیشتری نمایید تا در دام حریف قرار نگیرید درباره دامها در آینده بطور مفصل بحث خواهد شد.
- * سعی کنید نقطه ضعیف از حریف بگیرید نقطه ضعیف جایی است که مهره ها توسط مهر های کوچکتر مورد حمله قرار نگیرند. مثلا اگر رخ خود را در خانه D۶ قرار داده اید مطمئن باشید این خانه توسط فیل ، اسب و یا سرباز حریف مورد حمله قرار نمیگیرد. در مسابقات قهرمانی دانشگاههای ایران در سال ۱۹۷۳ این نویسنده در مقابل یک بازیکن دانشگاه پلی تکنیک تهران خانه ضعیف D۶ را در اختیار حریف (ژان

نصیری) قرار داد و همان نقطه ضعیف باعث باخت اینجانب شد و این درس بزرگی بود تا دیگر سعی کنم نقطه ضعیف را در اختیار هیچ حریفی ندهم.

- * یکی از نکات مهم که خود من شاهد آن بوده ام سریع کردن بازی توسط بازیکنان کم تجربه در مقابل بازیکنان پر تجربه میباشد که سعی کنید جدا از این مورد پرهیز داشته باشید و سعی کنید حد اکثر بهره را در وقت تعیین شده ببرید و هیچگاه در دام سرعت بازیکنان دیگر قرار نگیرید.
- * صبر صبرو صبر همواره ضبور باشید و با عجله حمله نکنید و سعی کنید با قوای کامل و آماده حمله کنید. قوای آماده آنهایی هستند که در اسرع وقت در خدمت قرار گیرند مثلا اگر در جناح شاه حمله میکنید ، اسب خانه B۱ نمیتواند به سرعت به شما کمک کند. در اینجا به باید ها و نبایدها بسنده میکنم و دنباله آنرا به آینده موکول مینمایم. من مطمئن هستم که استفاده از این اصول سطح بازی شما را حداقل ۲۰۰ امتیاز بالا میبرد.
- با تشکر از سردبیر محترم مجله که با اجازه دادن به این نویسنده سعی میکند سطح بازی شطرنج همکیشان را بهبود بخشد.

دنباله سفر به نخستین پایتخت ایران

قراردارد. از شکل ظاهر و سبک معماری این اثر، چنین بر می آید، که ساختمان فعلی در قرن هفتم هجری روی ساختمان قدیمی تری بنا شده باشد. این بنا از قسمت های مدخل ورودی، دهلیز، مقبره، ایوان و شاهنشین تشکیل شده که در وسط فضای مربع شکل مقبره ها، دو



اهمیت دارند. این اثر تاریخی از یک طرف، برای قوم یهود زیارتی و قابل احترام است، و از طرف دیگر، به عنوان یک اثر تاریخی، واجد ارزش است. علاوه بر بنا، در سنگی ورودی، صندوق چوبی خوش تراش و کتیبه های به خط عبری که حاوی ده فرمان هستند، از آثار قابل توجه این اثر محسوب می شود.

پیش از آن که از شهر خارج شویم، به بازدید یک اثر دیگر پیش از تاریخ می رویم، شیر سنگی. این مجسمه در میدانی به همین نام بر محل یک تپه باستانی و محل کشف تابوت اشکانی قرار گرفته است. این شیر و قرینه های آن هنگام فتح همدان بر دو طرف دروازه شهر قرار داشتند.



مرداویج دیلمی، قصد کرد این دو مجسمه را به ری منتقل کند که موفق نشد و به این ترتیب پنجه یک شیر را شکست و دیگری را به کل خراب کرد. شیر آسیب دیده در زمان نوسازی برخی آثار به وسیله مهندس سیحون در محل فعلی نصب شد.

حالا که می خواهید از شهر خارج شوید تا دیدنی های پیرامون را ببینید، چند منطقه را مد نظر قرار دهید. هنگامی که سمت جنوب غرب شهر را در نظر بگیرید، مجتمع تفریحی، سیاحتی عباس آباد یک گردشگاه مناسب خواهد بود.

کیلومتر به گنج نامه می رسید. گنج نامه در دامنه ی کوه الوند و دره عباس آباد قرار دارد. علاوه بر چشم انداز و آبشار زیبای منطقه که طبیعتی خاص ایجاد کرده اند، کتیبه گنج نامه نیز بیانگر ارزش تاریخی منطقه است. از آنجا که هگمتانه، پایتخت تابستانی هخامنشی در مسیر جاده شاهی قرار داشته، داریوش اول پس از اتمام کار کتیبه بیستون، دستور ایجاد این کتیبه را صادر می کند. پس از او فرزندش، خشایار شاه نیز کتیبه دیگری کمی پایین تر، از خود بر جای می گذارد.

منطقه گنج نامه اینک از طریق تله کابینی به طول تقریبی ۱/۵ کیلومتر به میدان میشان مرتبط شده که خود به یکی از جاذبه های توریستی تبدیل شده است. امکانات ورزشی، تفریحی و پذیرایی مختلفی در این منطقه نیز ایجاد شده که از سوی دیگر سبب شده عشایر در منطقه نمانند.

اما در همین جهت و در فاصله فقط ۲۵ کیلومتری همدان، کوه الوند با ارتفاع حدود ۳۵۰۰ متر واقع شده است. یک مسیر صعود از میدان میشان، یکی از دشت های بیلاقی، آغاز می شود که پناهگاهی نیز در آن احداث شده است.

معاش می کنند. در مسیر شمال غرب، اگر از سر دوراهی به طرف صالح آباد و گل تپه بروید، به غار آبی علی سرد یا علی صدر خواهید رسید که از این مسیر حدود ۷۰ کیلومتر با همدان فاصله دارد. این غار آبی زیبا از سال ۱۳۴۶ مورد بهره برداری واقع شده و به همین دلیل آسیب زیادی نیز دیده است. زیرا بد نیست بدانید که سازه های طبیعی آهکی که در طول زمان اشکال مختلفی می یابند، در صورت تماس دست، دیگر افزایش طول نخواهند داشت و به عبارتی می میرد.

با این حال، این غار هنوز زیبا و تعداد زیادی از مردم را پذیراست. گشتی با قایق در این غار و دیدن استلاگمیت و استلاکتیت های عجیب و غریب که هر یک به نامی معروف اند، روزی پرهیجان رقم خواهد زد. فقط این نکته را نباید فراموش کرد که هر چند غار علی سرد یکی از جاذبه های شناخته شده است اما جاده دسترسی آن چندان مناسب نیست

سفر به همدان بدون دیدن غار علی سرد و لالچین به نظر ناتمام می آید، به همین دلیل در جهت شمال غرب پیش بروید. به یک دور راهی می رسید. وقتی به سمت راست یا «بهار» بروید، به لالچین، یکی از مراکز معروف سفال سازی کشور خواهید رسید. جایی که شغل بسیاری از اهالی علاوه بر کشاورزی و دامداری، با سفال مرتبط است. اهالی از پسر خردسالی که به پادویی در کارگاه مشغول است تا کارگری که گل ورز می دهد یا چرخکار و کوره پز یا هنرمندی که به طراحی و رنگ سفال می پردازد با این کار امرار

صندوق منبت کاری شده زیبا قرار دارد. استر نام دختری است که با کمک عموی خود مردخای، همسر خشایار شاه هخامنشی می شود. اینان از آن جهت که قوم یهود را از توطئه هامان وزیر خشایار شاه نجات دادند و یکی از اعیاد این قوم را به نام «جشن پوریم» رقم زدند،

سیر سور، جشنی برای تندرستی

ویتامین‌ها و ترکیبات مورد نیاز را در جیره غذایی خود مصرف می‌کرده‌اند. شهر سوخته محوطه‌ای باستانی متعلق به ۵ هزار سال قبل است که در ۵۵ کیلومتری جاده زابل به زاهدان واقع شده و از این شهر به عنوان نبض اقتصاد ۵ هزار سال قبل شرق فلات ایران یاد می‌شود.

زرتشتیان با سیر خوراکی آیینی به نام «سیر و سدو» Sirosedow درست می‌کنند که از ترکیب سیر و گیاه سداب (Ruta graveolens) و روغن کنجد و

تندرستی» نامیده می‌شود. بیشترین پژوهش‌ها بر روی سیر درباره اثرات آن در تنظیم چربی‌های خون بوده است. پژوهش‌های پزشکی نوین، روشن ساخته است که مصرف سیر اثر قابل توجهی در کاهش کلسترول کل (TC) و تری‌گلیسرید خون دارد و به ویژه نوع کلسترول LDL یا به اصطلاح چربی بد خون ۴ را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر مصرف سیر میزان کلسترول HDL (چربی خوب خون) ۵ را به سطح قابل ملاحظه‌ای بالاتر می‌برد. البته پزشکان توصیه می‌کنند که در رژیم غذایی افزون بر سیر از روغن زیتون، میوه‌ها و سبزی‌ها نیز به مقدار کافی استفاده شود تا در کاهش کلسترول بد خون موثرتر باشد. مصرف سیر همچنین میزان گلوکز خون را پایین می‌آورد و فشار خون را کاهش می‌دهد. اثرات ضد سرطان، آنتی‌اکسیدان و تنظیم سیستم ایمنی هم از سیر به اثبات رسیده است.

ماده اصلی در سیر، آلیئین (alliin) نام دارد که وقتی حبه‌های سیر کوبیده شوند یا سیر تازه در دهان جویده شود، سلول‌هایش شکسته شده و آلیئین به واسطه آنزیم آلیئیناز (alliinase) به ترکیبی ارگانسولفور (organosulfur) به نام آلیسین (allicin) تبدیل می‌شود که بسیاری از خواص سیر را باعث می‌شود. آلیسین ماده فعالی است که بوی سیر از آن ناشی می‌شود و در پژوهش‌های پزشکی خواص ضد باکتری و ضد قارچ آن مشاهده شده است، از این روی از آن با عنوان «آنتی‌بیوتیک طبیعی» نام می‌برند. پس توصیه می‌شود که بهترین شیوه مصرف سیر، جویدن سیر تازه یا ریختن سیر کوبیده یا له شده در خوراک می‌باشد. البته بهتر است سیر را در آخرین مراحل پخت خوراک به آن افزود تا خواص آن حفظ شود.

سیر در خوراک‌های ایرانی

در مکتب آشپزی ایرانی، سیر جایگاهی ویژه دارد. سیر خام و تازه و یا خشک شده به صورت حبه کامل، رنده شده، پودر شده یا له شده یا تفت داده به عنوان چاشنی در خوراک‌های ایرانی همچون «میرزا قاسمی»، «کشک و بادمجان»، «سیرابیچ» در گیلان، «سوپ سیر و سیب زمینی»، «سبزی پلو»، «سیر قلیه» در گیلان، «قلیه ماهی» در جنوب ایران، «بورانی سیر»، «آبگوشت سیر»، «خورش گوجه فرنگی و سیر»، «ماهی پارسی» در میان پارسیان هندوستان، «ماهی سیره داغ» در گیلان، «سیر پخترمه»، «ژبگوی ایرانی» و ده‌ها خوراک دیگر کاربرد دارد. سیر خوابانده در سرکه سفید یا قرمز نیز به عنوان ترشی سیر مصرف می‌شود.

بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که مردمان شهر سوخته در پنج هزار سال پیش در رژیم غذایی خود در کنار دیگر مواد خوراکی طبیعی از سیر فراوان استفاده می‌کرده‌اند.

به گفته باستان‌شناسان بررسی‌ها روی مواد مصرفی و ترکیبات غذایی ساکنان شهر سوخته نشان می‌دهد که آنها از تغذیه سالم برخوردار بوده‌اند و تمام پروتئین‌ها،

البته در این جشن از خوردن چربی پرهیز می‌شده است.

پنجم: به روایت بیرونی، بر اساس سنتی که میان برخی از بهدینان رایج است، در روز از هر ماه یعنی روزهای دوم (بهمن) و دوازدهم (ماه) و چهاردهم (گوش) و بیست و یکم (رام) از کشتن حیوانات و خوردن گوشت آنان پرهیز می‌کنند که به این روزها «نُبر» می‌گویند. اما او همچنین روایت می‌کند که ایرانیان در روز «سیر سور» از خوردن گوشت در این روز پرهیز نمی‌کرده‌اند و انواع خوراکی‌ها را با سیر فراوان و سبزیجات و گوشت می‌پخته‌اند. به سخن دیگر در آن زمان مفهوم «روز نُبر» از این جشن برداشت نمی‌شده است و اگر بنا بود که چنین مفهومی از «سیر سور» برداشت شود این پرسش مطرح خواهد شد که چرا سیر سور در دیگر روزهای نُبر برگزار نمی‌شده است؟

ششم: از روایات چنین برمی‌آید که خوردن سیر در این جشن، سنتی همگانی بوده و جنبه نمادین داشته است. شاید این سنت همگانی برای این انجام می‌شده است که در این روز، بوی تند سیر کسی را نیازارد. چنان که مشهور است اگر کسی سیر خورده باشد از بوی تند سیر که از دهان دیگری برخیزد، آزرده نمی‌شود.

گیاه‌شناسی سیر

سیر معمولی یا سیر خوراکی در پهلوی «Sighr» در انگلیسی «Garlic» با نام علمی Allium sativum گیاهی از خانواده Liliaceae یا سوسنیان با گل‌های چتری صورتی رنگ است که بُنه و برگ‌های سبز آن خوراکی است و هر بُنه آن چند دانه یا حبه سیر دارد که با پوست نازک سپید یا صورتی رنگی پوشیده شده است.

نظامی گنجوی نیز در مصرعی به تعلق سیر به تیره سوسنی‌ها اشاره نموده و می‌گوید: «در سیر نشان سوسنی هست ...». گیاه سیر در نواحی مختلف ایران به ویژه در شمال کشور به طور گسترده کاشته می‌شود.

اثرات سودمند سیر بر تندرستی

در متن‌های کهن دینی نیز از سیر نام برده شده و به خواص درمانی آن اشاره شده است. در باورهای کهن ایرانی، چینی، مصری، و یونانی سیر گیاهی ستوده و درمان‌گر بوده است. بر بنیان یک استوره کهن ایرانی، در روزی که جمشید کشته شد و دیوان چیره شدند، مردمان برای زدودن پلیدی دیوان همراه با خوراک خود سیر خوردند و در این روز از خوردن چربی پرهیز کردند و این روز بعدها «سیرسور» نامیده شد.

به نظر می‌رسد که در این استوره مردم بر بنیان تجربه برای در امان ماندن از بیماری‌ها (دیوان) از خوردن خوراکی‌های چرب پرهیز نمودند و برای بهره‌مندی از خواص سیر در درمان بیماری‌ها از جمله کاهش چربی خون همراه با غذای خود سیر مصرف نمودند.

این آموزه‌ها را پژوهش‌های نوین امروزی نیز تأیید می‌کند و سیر «گیاه

جشن‌های ایرانی پیوندی ناگسستنی با طبیعت دارند، از این روی پیوسته شادابی و سرزندگی را برای مردمان به ارمغان می‌آورند. یکی از این جشن‌های زیبا که امروزه کمتر نامی از آن در میان است اما شایسته توجه بیشتر است، «سیر سور» نام دارد.

«سیر سور» یا «جشن سیر» پیش و پس از اسلام در نواحی مختلف ایران در روز چهاردهم دی ماه برگزار می‌شده است. به نوشته ابوریحان بیرونی در کتاب «آثارالباقیه»، ایرانیان جشن سیر یا «سیر سور» را در «روز چهاردهم» یا «روز گوش» از دی ماه برگزار می‌کنند و در این جشن که از «زمان جمشید» بازمانده بود، ایرانیان همراه با «سیر و شراب» خوراکی‌هایی از «سبزی و گوشت» می‌خورند تا «اندوه و بیماری‌ها» را از خود دور کنند و خود را «شفا» بخشند.

«ابن خلف تبریزی» در «برهان قاطع» «سیر سور» را با «روز گوش» یکی دانسته و آن را نام «روز چهاردهم از هر ماه شمسی» می‌داند و می‌گوید که «فارسیان در این روز عید کنند» و «در این روز گوشت و سیر، برادر پیاز، خورند» تا خود را ایمن دارند.

بیرونی در کتاب «قانون مسعودی» نیز به سیرسور اشاره نموده و «گردیزی» در کتاب «زین الاخبار» از «سیر سور» یاد می‌کند و می‌نویسد که در این جشن «مغان طعام‌ها سازند و بخورند و چنین گویند که آن طعام‌ها مضرت دیوان را دفع کند ... سنت بر آن بود که در این روز از خوردن چربی خودداری کنند...»

نکاتی که از روایات برداشت می‌شود

نخست: گرچه «ابن‌خلف تبریزی» سیر سور را نام روز چهاردهم هرماه از سال خورشیدی می‌داند ولی چنان که دکتر محمد معین در زیرنویس برهان قاطع با استناد به «آثارالباقیه ص ۲۶۶» و «یشت‌ها ص ۳۷۴» تأکید می‌کند، «سیر سور» نام روز چهاردهم از هر ماه سال شمسی نیست و جشنی بوده که ویژه روز چهاردهم دی ماه بوده است.

دوم: از دیدگاه مردم، سیرسور از چنان دیرینگی برخوردار بود که آن را به زمان جمشید پادشاه استوره‌ای ایران نسبت می‌دادند.

سوم: پرهیز از مصرف چربی و خوردن سیر همراه با سبزیجات و گوشت برای در امان ماندن از دیوان انجام می‌شده است و به راستی در ستیز با تن و روان انسان کدام «دیو» را پلیدتر از «بیماری» می‌توان یافت؟

چهارم: دست کم در زمان بیرونی و گردیزی و ابن‌خلف تبریزی، در «سیر سور» همه نوع خوراک با استفاده از انواع گوشت و سبزیجات پخته و مصرف می‌شده است که پایه اصلی همه این غذاها سیر بوده است و همراه با غذا سیر می‌خورند یا آن را در میان گوشت نهاده و می‌پختند. به سخن دیگر، این روز ویژه گیاه‌خواری یا گیاه‌خواران نبوده است.



سرکه و پیاز و نان تهیه می‌شود که در گهنبار و مراسم روز و سال درگذشته به کار می‌رود.

سیر همچنین یکی از اجزای اصلی سفره هفت‌سین ایرانیان است. آیین گسترده سفره هفت‌سین و خوراکی‌های گوناگونی که بر آن می‌نهند، نشانی از سنت گسترده سفره در «بزم مهر» در میان پیروان کیش مهر است. از این روی به نظر می‌رسد که سیر نیز در بین پیروان آیین مهر نشانی از تندرستی و پاکی درون و برون انسان و دوری از پلیدی و ناراستی بوده است و اکنون نیز با همین انگیزه بر سفره هفت‌سین نهاده می‌شود.

سیرسور، جشن ملی تندرستی

انجمن تغذیه ایران، روز ۱۴ دی‌ماه همزمان با سیرسور را به عنوان «روز ملی تغذیه و سلامت» نام‌گذاری نموده و برای این انتخاب از گروه تغذیه همه دانشگاه‌های کشور نیز نظرخواهی کرده است که حدود ۹۰ درصد دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی با این انتخاب موافقت کرده‌اند. اگرچه این روز هنوز در تقویم ملی ایرانیان، ثبت نشده است ولی انجمن تغذیه ایران هر ساله این روز را در جمع متخصصان تغذیه جشن می‌گیرد.

مهر و مهرگان

از: توران شهریاری

مژده ای دوستان مهرگانست
مهر روز و ماه فرخ مهر
گرمی و پاکی و شادی از اوست
در دل گرم هر ذره از مهر
نور بخشد به گیتی و مینو
مایه زندگانی و هستی
ایزد مهر دردین زرتشت
« مهریشت » دلویز و زیبا
مهر فرمند را می ستاییم
زایش « مشیه » و « مشیانه »
جشن پایان محصول و برداشت
صد بهاران در آن می توان دید
سال عمرش نیاید به گفتار
کاوه را او توان داد و نیرو
شد فریدون به ضحاک پیروز
عشق و مهرند همزاد دیرین
دشمن رشک و کین و تباهی
داور مردمان در پس از مرگ
راه و رسم وفاداری از اوست
این نگهدار پیمان نمادش
بهر هر همسری حلقه مهر
زین سبب حلقه مهرورزی
تا دو همسر به هم مهر ورزند
مهر از آغاز بنیاد هستی
مهر ورزیدن و شاد بودن
آفرین خدا باد بر مهر
هفت گام است در مکتب مهر
برترین حد پالایش روح
مهر، ای نوربخش مسیحا
دین عیسا ز تو مایه بگرفت
آن همه سنت و رسم و آیین
مایه های تو جانمایه اش شد
خفته رازی به مهرابه هایت
چون و چندی ننگد به گفتار
نور و نیرو و شیدایی و شور
حافظ و مولوی راه پویش
سهروردی چو منصور حلاج
آنچه از مهرگان می توان گفت
عارفان مهر را می ستایند

مهر با هر کسی مهربانست
جشن فرخنده مهرگانست
فرّ و شیدش کران تا کرانست
یک جهان شور هستی نهانست
شوربخش زمین و زمانست
این جهان چون تن و او روانست
فرّ و فرمندی جاودانست
شرح بخشی از این داستانست
چون دل گرم عالم در آنست
در همین روز با فرّ و شانست
فر و شادی ز چهرش عیانست
گرچه آغاز فصل خزانست
زودتر از زمان کیانست
حامی پرچم کاویانست
چون که او شاه مهر آرمانست
مهر با عاشقان هم زبانست
دوستی را بهین پشیمانست
نیک کردار از او در امانست
بی وفایی به جانش گرانست
حلقه مهر خورشید سانست
برتر از گوهر شایگانست
زیب دست همه همسرانست
در گسستن شکست و زیانست
پیک دل ها و پیوند جانست
خوی دیرین ایرانیانست
مهر آیین پیر مغانست
کز تعالیم مهری نشانست
قبله گاه همه عارفانست
شور جانت در این کاروانست
از فروغ تو پرتو فشانست
از تو در تار و پودش نهانست
جذبه و شور و حالش از آنست
کز بیانش سخن ناتوانست
زان که برتر ز شرح و بیانست
عشق و عرفان و تاب و توانست
آن دو را سر بر این ستانست
لاله سرخ این بوستانست
جشن بشکوهی از باستانست
چون نمودار جان جهانست

رسم کهن

محمد ایزدی (پارسی)

شب چله ست می و مطرب بیارید
به آداب خوش پشتمبانی
به پا داریم رقص و پایکوبی
بر افروزیم اجاق وز هیمة آتش
شب چله پشش خوش بامدادیست
بر هم گرد آیم از کس و خویش
به شاهنامه فروزیم شمع جان را
بگیریم فال خوش از شعر حافظ
ندارد یاد گیتی همچو ملت
ز هوشنگیم ، فریدونیم ، منوچهر
نژاد اندر نژاد آزاده هستیم
ز کورش مام منشور جهانیم
بدانند دشمنان مام و میهن
ره میهن بشویم دست از جان
به دل تا یاد آرش هست و بابک
ره میهن بشویم دست از جان

که این رسم کهن را پاس داریم
به ماست آیین پیشین زنده داریم
به دل ها بوته شادی بکاریم
هر آن غم هست بر آتش سپاریم
چو دی آمد همی دل خوش بداریم
حکایت ها ز فردوسی بر آریم
سخن از راستان بر لب گماریم
ز رنگ و روی ، گرد غم زداییم
خود را از نخست پایه گذاریم
و از پیشینیان روزگاریم
جهان تا هست ما هم ماندگاریم
بسی هر تن زما یک شهریاریم
که ما از مردمان کارزاریم
به وقتش هر تن از ما سر به داریم
همی در قله های افتخاریم
سپاس کز مهر یزدانی بر آریم

دردی است درد من

به یاد ۲۰ آذرماه، زاد روز میرزاده عشقی

شیرین دهان به گفتن حلوا نمی شود
آن بستری ز بستر خود پا نمی شود
دردیست درد من که مداوا نمی شود
هر جا مرو تو را همه جا جا نمی شود

ز اظهار درد درد مداوا نمی شود
درمان نما ند غیظ که با پا زمین زدن
ضایع مساز رنج و دوی خود ای طیب
جانا فراز دیده عشقی است جای تو

دراتاقی که به اندازه یک تنهاییست
دل من که به اندازه یک عشقست
به بهانه های ساده خوشبختی خود می نگرد
به زوال زیبای گلها در گلدان
به نهالی که تو در باغچه خانه مان کاشته ای
و به آواز قناری ها که به اندازه یک پنجره می خوانند
آه... سهم من اینست
سهم من گردش حزن آلودی در باغ خاطره هاست
و در اندوه صدایی جان دادن که به من می گوید
دستهایت را دوست میدارم
دستهایم را در باغچه می کارم
سبز خواهم شد می دانم می دانم می دانم
و پرستوها در گودی انگشتان جوهریم
تخم خواهند گذاشت
گوشواری به دو گوشم می آویزم
از دو گیلای سرخ همزاد
و به ناخن هایم برگ گل کوکب می چسبانم
کوچه ای هست که قلب من آن را
از محله های کودکیم دزدیده ست
من پری کوچک غمگینی را
می شناسم که در اقیانوسی مسکن دارد
و دلش را در یک نی لیک چوبین
می نوازد آرام آرام
پری کوچک غمگینی که شب از یک بوسه می میرد
و سحرگاه از یک بوسه به دنیا خواهد آمد

به نبستگی ۸ دی ماه زادروز فروغ فرزند



زخم بی تفاوتی بر پیکر بازمانده های تاریخی و ملی در خوزستان دل هر ایرانی را میرنجاند

در میان دوستان و آشنایان کسانی هستند که در کنار سفرهای تفریحی و کاری خود به بازدید از آثار تاریخی کشورمان ایران می پردازند. با نگاهی به زاویه دید آنها متوجه ریزبینی همه کسانی می شویم که دلبستگی قابل توجهی به آثار و محوطه های تاریخی دارند. در این میان نگارش و یا بیان چگونگی بازدید یکی از ضروریات سفر در نزد آنها محسوب می شود.



جای جای میهن عزیزمان ایران، پر است از بازمانده های باستانی و یادگار گذشتگان پرشکوه این مرز و بوم، که نیاکان و پدران ما بوده اند. این نشانه ها، سندی است از اندیشه، فرهنگ و تمدن ارزشمند پدرانمان. نیاکانمان با چنین فرهنگ پربراری، به دور از کشتار، بدون برده داری، با آزادی اندیشه و دین در این سرزمین زیست می کرده اند.

یکی از بخش های ارزشمند این سرزمین که بازمانده هایی به دیرینگی ۶ هزار سال و بیشتر را در خود جای داده، سرزمین خوزستان است. سرزمینی بارور (حاصلخیز) پر از رودهای روان، دشت ها و جلگه هایی که شوند پدید آمدن نخستین تمدن های بشری شده است.

شوش، انشان، شوشتر... و دیگر سرزمین های آباد خوزستان، که هنوز هم سخن از شکوه دوران طلایی خود دارند، این روزها، درد دل های بسیاری با هم می آید که به سراغشان می روند.

نشانه های باستانی این بخش مانند دیگر بخش های میهن عزیزمان، مورد ستم و بی توجهی است. سرزمینی روزی مرکز شکوه، شاهنشاهی، تمدن، فرهنگ و اقتصاد و بازرگانی بوده، اکنون به ویرانه ای است که در آن، خبری از رسیدگی نیست.

نه تنها رسیدگی در کار نیست بلکه به دست آدمی خواسته و ناخواسته، ویران هم می شود. شگفتی هایی که می شود از آنها برای آموختن دانش ساخت و ساز، کشاورزی، آبیاری، سازه های آبی و... و حتی جذب گردشگران سود جست، به حال خود رها شده و در مواردی نیز دیده می شود که دستور به ویرانی آن ها داده می شود.

بازمانده های فرهنگی

سی. ای. آی. اس. (لندن)

سیمره آرام آرام غرق می شود

سیمره آرام آرام غرق می شود - این اعلام البته از سوی مجری سازنده سد که قرار است به عنوان نیروگاه برق آبی نیز مورد استفاده قرار بگیرد صورت گرفت. محوطه باستانی و تاریخی سیمره که در نوار مرزی دو استان لرستان و ایلام قرار گرفته است آثاری از دوران پیش از تاریخ از دوره پارینه سنگی تا دوره مفرغ و آهن و دوران خاندانهای اشکانی و ساسانی تا دوره فراساسانی را در خود جای داده است.

سی. ای. آی. اس. (لندن) - بگزارش روزنامه همشهری، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با گذشت دو روز از انتصاب رئیس آن سازمان به سرپرستی نهاد ریاست جمهوری اعلام کرد که مجوز آبیگری سد سیمره در محوطه باستانی تاریخی شهر سیمره را صادر کرده است..

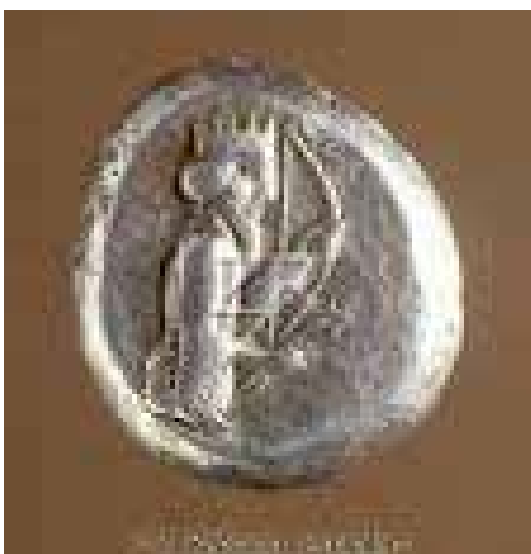


این اعلام البته از سوی مجری سازنده سد که قرار است به عنوان نیروگاه برق آبی نیز مورد استفاده قرار بگیرد صورت گرفت. محوطه باستانی و تاریخی سیمره که در نوار مرزی دو استان لرستان و ایلام قرار گرفته است آثاری از دوران پیش از تاریخ از دوره پارینه سنگی تا عصر مفرغ و آهن و دوران اشکانی و ساسانی تا دوره اسلامی را در خود جای داده است. احداث سد سیمره

در این محوطه از کشور که آثار ارزشمند باستانی متعلق به دوره های مختلف تمدنی و باستانی را در خود جای داده سؤالاتی ایجاد کرد که پاسخ به آنها می تواند نگرانی ها مبنی بر تهدید آثار باستانی کشور را کاهش دهد..

وضعیت نامناسب نگهداری و نمایش آثار باستانی و ملی در موزه آستان قدس رضوی

طبق بررسی های مستشرقین اروپایی [برپایه نوشته های مورخان یونان باستان که کارهای داریوش بزرگ را دقیقاً و وسیعاً شرح داده اند] و تطبیق تقویم ها، پول رسمی ایران (سکه داریک، دارا) در ژانویه سال ۵۰۴ پیش از میلاد ضرب و رایج شد و این، نخستین سکه متحد الشكل جهان که دارای وزن و عیار یکسان بود در ژانویه ۲۰۱۲ دوهزار و ۵۱۶ ساله شده است.



داریوش دستور ضرب این سکه را در دومین روز نخستین ماه زمستان سال ۵۰۴ پیش از میلاد (دیماه و یک روز پس از شب چله - یلدا) داده بود. سکه های داریک (گرفته شده از نام داریوش که گفته شده است واژه دارا، دارایی و ... در پارسی نوین از نام آن سکه گرفته شده است) تا پایان عهد هخامنشیان [سلطه اسکندر مقدونی] رایج بودند. نقش تصویر رئیس کشور بر یکطرف سکه نیز از زمان داریوش مرسوم شده است.

چگونگی و نابسامانی نگهداری و نمایش آثار باستانی و ملی در موزه آستان قدس رضوی در مشهد باعث نگرانی بازدید کنندگان و علاقمندان به آثار تاریخی شده است..

به گزارش فرارو، برخی از آثار باستانی کشور بر روی جعبه های خالی سیدی قرار داده شده است.

گفتنی است موزه های آستان قدس رضوی با موزه های قرآن، فرش و منسوجات، نجوم و ساعت، گنجینه سلاح، گنجینه تبر، اسکناس و مسکوکات، گنجینه مدال، گنجینه تاریخ مشهد، گنجینه نقاشی، گنجینه صدف و حلزون، گنجینه ظروف یکی از بزرگترین و مهمترین، موزه های تاریخ و مردم شناسی ایران به شمار می آید.



گات ها سروده های زرتشت

سرود پانزدهم - یسنا هات ۵۰
ای هورامزدا - در هنگام سختی تنها پرتو
مهر توست که می تواند به روان ما آرامش و
آسایش بخشد. آیا جز راستی و پاک منشی که
پرتوی از هستی توست چه چیز دیگری به یاری
و کمک من و پیروانم خواهد شتافت؟

مهدی دهقان یزدی

همکاران

از این موقعیت استثنایی برای فروش و یا اجاره منازل خود با بهترین قیمت با معروفترین کمپانی که در تمام ایالات آمریکا و بیش از ۸۷ کشور جهان دفتر دارند تعامل بگیرید .

Best time to buy with best interest rate in more than 50 years!

اگر خواهان سرمایه گذاری موفق و درآمد بالا هستید با ما تماس بگیرید

Mehdi Yazdi

DRE # 01790150

949.307.4330

maxremax2000 @yahoo.com

www.maxmedhi.com



Bahram Irani

Real Estate Consultant

بهرام ایرانی



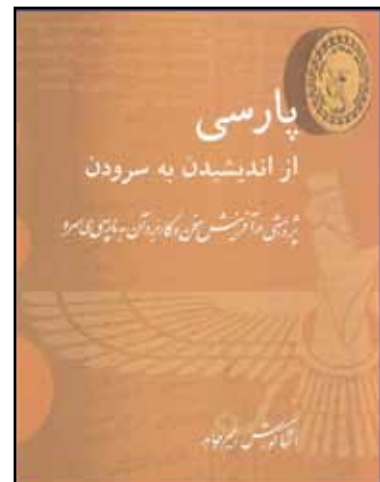
مشاور شما در املاک
جهت خرید یا فروش هر گونه
املاک مسکونی، تجاری یا زمین
با بهترین خدمات



If you are looking to buy a house or if you want to sell your house, enjoy our best services.

Tel: (818)645-3134

E-mail: BAHIRANI@yahoo.com



پارسی

سخن پارسی گزینش اوست
پارسی رهگشای بینش اوست

آنکه ایرانی است و میهن دوست
گر زتازیگری رها گردد

در این رزم اهریمن خیره سر که باشد ترا پای پیکارگر ز هر تیغ برنده برنده تر خرد ورز و بینشور و دادگر به ایران دهی سازمانی دگر به شیرو به خورشید رخشنده فر پارسی از اندیشیدن به سرودن	تو ای پور ایران پیروزگر ترا دست روزی بود کارگر زبان سخن گفتن پارسی که پیروزمندانه رزم آوری براندازی آیین نا بخردی که ایران زمین باز یابد شکوه پارسی از اندیشیدن به سرودن
--	--

پژوهشی از دکتر امیرجاهد در پارسی سره برای دوستاران پارسی پاک در این پژوهش بنیاد های زبان شناسی، انگاره ی نوین پیدایش سخن، دستور زبان پارسی سره بی واژگان تازی، شناخت پارسی از نا پارسی، روش های پارسی گوئی و پارسی نویسی، ویرسی سنجشگرانه ی سرودگان پارسی از گزیده سخنسرایان باستان و همزمانان گرد آمده است. دوستاران پارسی سره میتوانند آن را از شرکت کتاب در لوس آنجلس ketab.com و یا از amazon.com خریداری نمایند.



« کتاب گاتها »

سخنان اندیشه بر انگیز اشوزرتشت

ترجمه و تفسیر : دکتر آبتین ساسانفر

با جلد زرکوب منتشر شد.

برای سفارش با مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

۷۱۴ ۸۹۳ ۴۷۳۷

تماس بگیرید

By: Frahad Kermani

The 8th Zoroastrian unity cup in San Diego on Aug.31st-Sept 2nd.

9 adult teams and 7 youth teams in 2 divisions of 7-10 and 11-16 participated in this Unity Cup.

Approximately 250 individuals attended this three day event, of which about 100 were the players in 3 different divisions. The first day of tournament was followed by banquet in Encinitas banquet hall and around 300 guests enjoyed with Farshid Amin, his band, DJ KIA and dance performances. San Diego youth group had several group dance performances for each day of tournament during the lunch break. BBQ and drinks were available for players, guests and visitors. Trophies were awarded to the first, second and third places as well as best players from each divisions



Avicenna Accounting & Tax Services The Best Public Accounting & Tax Services Firm

- Preparation corporate & individual tax
- Preparing & reviewing income statement
- Preparing & reviewing balance sheet
- Auditing
- Preparation of financial forecasts
- Preparation of financial projection plan

8500 Leesburg Pike, Suite #203, Vienna, VA 22182
Telephone: (703) 448-6655
Fax: (703) 448-6656
www.aviact.com
email: info@aviact.com

EZZATI | LAW P.C.

Result Driven With a Commitment to Putting Clients First



- Family Based Petitions/ Visas
- H-1B specialty occupation visas
- L-1 intra-company transferee visas & E-2 investor visas (including business plan preparation and incorporation of entities)
- J-1 and Hardship Waivers to include I-601 and I-212
- O-1 extraordinary ability; P visa for artist, athletes, and entertainers
- EB-5 immigrant investor based visas for Permanent Residency
- Deportation and Removal Hearings

Our office can also meet your needs in the areas of
Judgment Collections and Business Transactions

Call us for a Free initial case evaluation

Hormuzd Henry Ezzati
Immigration Attorney

www.ezzatilaw.com

c: 310-801-1975 | f: 949-528-3780 | e: henry@ezzatilaw.com
Office Language Spoken: Farsi, English, Gujarati/Dari (basic), Armenian, Arabic



کوروش کیخسرو شاهرخ



- Injured in a motor vehicle accident?
- Hurt by a defective product?
- Medical/Dental treatment gone wrong?
- Get going again!
- RAPID • RELIABLE • RESULTS

ENCINO OFFICE PARK II

خدمات بدنی در تصادفات رانندگی
خدمات ناشی از استفاده کالاهای بازرگانی و لوازم ناقص
معالجات غلط پزشکی و دندانپزشکی
ما بکمک شما میاییم
سریع ، مطمئن و با بهترین نتیجه

The Law Offices of Koorosh K. Shahrokh
1-877-MVAinLA (682-4652)

Tel: (818) 996-7301 • Fax: (818) 996-7302
6345 Balboa Blvd. Suite 232, Encino, CA 91316
lawshah.com • MVAinLA.com
nationalchoicelawyers.com

Cyrus Cylinder

After it had been buried, the cylinder lay undisturbed for more than 2,400 years until it was dug up by Assyrian Archaeologist Hormuzd Rassam in 1879. When the text was translated, "it was immediately realised that the cylinder had a very special significance", says MacGregor.

The Cylinder in the shape of American football is about nine inches long and four inches wide and inscribed in Babylonian cuneiform. Evidently, the cylinder was created sometime after the inclusion of Babylon into the Persian Empire, while copies were made and dispatched to different parts of his realm. In 1940 a portion of the Cylinder text was discovered in China, which was written on horse bones.

Cyrus is regarded by Iranians as the "Father" and his cylinder is prized by them as an emblem of their civilisation and it is the most famously referred to and the most internationally recognised as the early human rights charter in the world, said Pardis Minucheer, director of the Persian program at George Washington University. "It has a message that resonates over centuries and is very inspirational", he added.

“he had entered the city, Cyrus [the Great] did not burn it to the ground (as usually happened with conquered cities in this period) but he freed the population from forced labour obligations and allowed the people who had been brought to Babylon by the Babylonian kings to return to their homes. By this act, he was effectively allowing people to pursue their own religious practices, eloquently described by Neil MacGregor.”



Holy Zarathushtra's Entire Thoughts. Words And Deeds are Inspirations from Ahura Mazda (GOD), The Creator, Leading Mankind to perfection and Bliss.

(The Gatha)

FARHANG FOUNDATION Proud Community and Financial Sponsor

Experience an Icon of Ancient Civilization

NINE WEEKS ON

Written in Babylonian cuneiform, the Cyrus Cylinder has become the most influential and celebrated declaration of religious freedom and political multiculturalism from the ancient world. On loan from the British Museum, *The Cyrus Cylinder and Ancient Persia: A New Beginning* concludes its highly successful U.S. tour at the Getty Villa. Visit getty.edu today to reserve your free tickets.

The exhibition was organized by the British Museum in partnership with the Iran Heritage Foundation and the J. Paul Getty Center, Los Angeles, in collaboration with the J. Paul Getty Center. The exhibition is supported by an indemnity from the British Council on the Arts and the Humanities. The Los Angeles presentation was made possible by the generous support of Farhang Foundation.

The CYRUS CYLINDER and Ancient Persia
A New Beginning
October 2–December 2, 2013
at the Getty Villa

LENDER: The British Museum
TOUR ORGANIZER: IIRF AMERICA
SPONSOR & COMMUNITY PARTNER: FARHANG FOUNDATION

Image: The Cyrus Cylinder. Archaeological, 539-530 B.C., Susa, Persia. 22.7 x 4.5 cm. Clay. New York: The J. Paul Getty Center, Los Angeles. Background: Foundation photo from the Cyrus Cylinder. Publishing: Heritage, Smithsonian and Smithsonian Institution. Text and design: © 2013 J. Paul Getty Center.

The J. Paul Getty Museum | 1200 Getty Center Drive, Suite 1000 | Los Angeles, CA 90047-1200 | www.getty.edu

The CYRUS CYLINDER and Ancient Persia
A New Beginning

FARHANG FOUNDATION Proud Community and Financial Sponsor

October 2- December 2, 2013
at the **Getty Villa**

ACADEMIC CONFERENCES/LECTURES/FILMS

The New Port Theater	9/19	7:00 PM	Premiere Screening of <i>Recreating Pasargadae: Cyrus the Great's Paradise</i>
University of California, San Diego	9/28	5:30 PM	The Cyrus Cylinder: Ancient Rights, Modern Liberties
The Getty Villa	10/2	7:30 PM	The Cyrus Cylinder: The Discovery and Creation of an Icon
The Getty Villa	10/7	All Day	Community Day: A special day for the Iranian-American community
University of Southern California	10/13	2:00 PM	Cyrus Cylinder: Modern Myths and Ancient Realities
University of California, Irvine	10/20	All Day	Cyrus the Great: From the Bible to the European Literary Imagination
The Getty Villa	10/27	All Day	Cyrus the Great and the Persian Empire: Perspectives from Antiquity to Today
University of California, Los Angeles	10/28	All Day	The World of Cyrus
	10/29	All Day	The Cyrus Reception
The Getty Villa	11/2	2:00 PM	Empire, Authority, and Autonomy in the Achaemenid Persian Empire
LACMA	11/18	6:00 PM	Cyrus the Great: Conqueror, Father and Messiah Screening of <i>Recreating Pasargadae: Cyrus the Great's Paradise</i>

COURSES & ACTIVITIES

The Getty Villa	10/19	2:00 PM	Gallery Course - Cyrus to Alexander: Persians, Greeks and the Invention of History Explore the Greek view through tales and art and compare the Persian perspective... and try your hand at cuneiform.
	10/20	2:00 PM	
The Getty Villa	10/27	All Day	Studio Course - Proclamations in Clay Learn hand building techniques to create ceramic cylinders and vessels inscribed with your own text dedications.
	11/17	All Day	
The Getty Villa	11/14	11:00 AM	Studio Course - Culinary Workshop: Ancient Persia Prepare and enjoy a meal showcasing the multiethnic cuisine of the Persian Empire.
	11/15	11:00 AM	
The Getty Villa	10/5	11:00 AM	Family Activity - Scribes wanted Drop by with your family to learn how scribes in ancient Persia created documents such as the Cyrus Cylinder and try your hand at writing your own cuneiform message.
	10/12	11:00 AM	
	10/19	11:00 AM	
	10/26	11:00 AM	
	10/26	11:00 AM	

PERFORMING ARTS

The Getty Villa	10/19	7:30 PM	Twinklings of Hope: Mahsa and Marjan Vahdat in Concert The music of Mahsa and Marjan Vahdat reflects the evolution of Persian song. Part of a new generation of musicians who are university educated and devoted to their artistic cause, the Vahdats uphold a waning tradition in today's Iran.
	10/20	3:30 PM	

For more information please visit: www.farhang.org/CyrusCylinder NOTE: Dates/Times are subject to change.

The Father of the Iranian nation visits the United States

LONDON, (CAIS) -- The Exhibition of 'The Cyrus Cylinder and Ancient Persia' opens Saturday 9th March, marking the

first U.S. appearance of one of the most celebrated objects from antiquity known as the Cyrus Cylinder, declared by many

particularly to one of the U.S. Founding Fathers.



as the 'World's First Charter of Human Rights', an American football-shaped artefact inscribed with orders issued by Cyrus the Great after his conquest of Babylon in 539 BCE.

The exhibition "is about understanding the way Iranians see themselves in the world, and that's obviously important at the moment," said Neil MacGregor, director of the British Museum, which loaned the priceless artefact.

Although it is the first time that the 'Cyrus Cylinder' is going to the US, the cylinder's principle message, which is the Cyrus the Great doctrine is no stranger to Americans,

When the third U.S. president Thomas Jefferson was in need of guidance for drafting the US Constitution, he turned to "Cyropaedia", the biography of the ancient Persian Emperor Cyrus the Great, written by the 4th century BCE Athenian historian Xenophon.

What attracted Jefferson to the ancient Emperor was not his military prowess but his enlightened approach to government, and he admired the book so much he owned two copies. Cyropaedia (Kyropaideia) meaning "The Education of Cyrus", told the story of the great Zoroastrian Emperor, the founder of the second Iranian dynastic Empire, the Achaemenids (550-330 BCE), which portrays both his virtue and skills as a soldier and a just leader, a paragon of every conceivable moral virtue. His benevolent character was also confirmed in the Bible, who was chosen as the 'anointed of the God'.

The Empire that Cyrus founded was not only the world's first superpower, but also the only Empire that was based on tolerance, justice, respect and equality for its subjects. It stretched into three continents, and covered portions of current-day Greece and all of the Near and Middle East to the southern shores of the Persian Gulf, central Asia, caucuses, North Africa and Indian subcontinent. The Imperial dynasty brought such innovations as an annual budget, monetary, legal and postal systems, a network of roads stretched throughout the empire, a standing professional army and navy and civil service before collapsing in 330 BCE.



Dr. Mina Izadyar, founder of the Iranian Thalassemia Society, passes away



Dr. Mina Izadyar, a TUMS faculty member and the head and founder of the Iranian Thalassemia Society, passed away in June 2013.

A hematologist-oncologist and faculty member of Children's Medical Center, which is affiliated to the Tehran University of Medical Sciences (TUMS), Dr Izadyar passed away after a two-year battle with illness while abroad with her children.

She was born in Kerman, Iran in 1949.

Having dedicated herself to the prevention and treatment of hematologic diseases, especially thalassemia and hemophilia in

children, Dr Izadyar founded the HYPERLINK "<http://iranianthalassemia.com/en/default.asp>" \t "_blank" Iranian Thalassemia Society in 1989, with the help of philanthropists and a number of parents whose children suffered from the disease. She was chairman of the board of directors and head of the founding group of the Society.

Twenty-four years after the Iranian Thalassemia Society's establishment, Iran is at the forefront of preventative care and coverage for patients in the Middle East, and this is due in large part to Dr Izadyar's passion and relentless efforts.

The Children's Medical Center held a memorial service on June 25, 2013 to honor her more than 30 years of service to the ill and handicapped. Indeed, she was a true follower of the Persian prophet, Zarathushtra, who introduced the first monotheist religion to the world, based on three divine principles: good thoughts, good words and good deeds.

Dr. Khosro Khazai

The Louvre Museum: A Great Swindle

The big scam organized by the Louvre Museum in Paris, blatantly called 'The Arts of Islam'; demands a response.

Indeed, it is perfectly understandable that there has been an immense sadness, incomprehension and anger expressed by thousands of Iranians around the world in response to this pseudo exhibition. Hundreds of emails exchanged during these last weeks clearly reflect these emotions.

How could the managers of the Louvre, particularly those of its Islamic department, put into the same bag the arts of diverse cultures, some rooted in a history of several thousand years, and label them together, 'The Arts of Islam'? One can only assume either a great ignorance of these cultures, dubious intentions or a real disdain for the intelligence and culture of their French countrymen.

Particularly obnoxious is that the pieces from Iran, which make up the majority of works in this exhibition, have been labeled without shame as 'Islamic'.

The following are a few examples of those who works are included:

The great Ferdowsi, author of the monumental Book of Kings in the 10th Century, who fought Islam throughout his life, reviving the heroic pre-Islamic culture of Persia; Omar Khayyam, whose beautiful quatrains in the 12th century speak constantly of happiness of the present moment, wine and kisses, who said: 'I would never exchange a moment of happiness with my beloved or a glass of wine sitting in the moonlight, with all of Allah's paradise'; the great Hafez, revered by eight generations of Persians, for his poems of unsurpassed beauty, who called mosques 'houses of quackery', who could not live

without a cep of wine, without the lips of the beloved, without music and without the songs of nightingales, who was receiving from the wine bringer the messages of freedom from distant boundaries of Existence and who, in great reverence, refers 57 times in his poems to 'the master of the Magi', that is Zarathustra.

These great symbols of Persian culture would turn in their graves to see their works presented in this pseudo-exhibition under the label 'the Arts of Islam'.

To better understand the ridiculousness of this situation, imagine for a moment that the management of the Louvre should collect the disparate works of poets or philosophers of different cultures in Europe, such as Shakespeare, Molière, Baudelaire, Goethe, Nietzsche, with the arts of different styles such as Louis XIV furniture, realism, impressionism,

expressionism, cubism, and put them together in the same bag with the label 'The arts of Christianity'! How would you, as French, react?

Our French friends must understand that today the Iranians are engaged in a relentless cultural struggle, against the Islamic Republic, to reconstruct their shattered identity from their history of several thousand years. In this battle, the radiant stars of Persian culture you shamelessly include under the Islamic label are precisely their symbols and the instrument of this struggle.

The petition "We ask the Louvre Museum to stop scamming Iranian culture" was published by the European Centre for Zoroastrian Studies in November 2012. It is still active. If you would like to add your signature, please visit: <http://www.gopetition.com/petitions/we-ask-the-louvre-museum-to-stop-scamming-iranian-cultu.html.%27>

UZBEKISTAN ZOROASTRIAN ANJUMAN REGISTERED

The Uzbekistan Zoroastrian Anjuman has been officially registered with a membership of 7,000 Zoroastrians. The president of the Uzbekistan Zoroastrian Anjuman has officially announced the inauguration of this Anjuman with a membership of 7,000 Zoroastrians. The Amordad newspaper with reference to the internet site of this Anjuman has reported that Mr. Rostam Abido Komiolof the president of this Anjuman has announced that 400 members of this Anjuman are students who know how to read, write and speak the Avestan Language. The majority of the Uzbek Zoroastrians medium of instruction is Russian & Tajik version of Persian. Mr. Rostam Abido Komiolof is hopeful that the Zoroastrians of Uzbekistan will pursue the Avestan Language and one day makes it the medium of instruction in Uzbekistan. One of the Zoroastrian student members of this Anjuman by the name of Ms. Anna Chankui is a first class student of the Avestan language & mathematics in her school. Another Zoroastrian student member of this Anjuman is the best student of the Avestan Language and also a first prize winner in the Uzbek language Olympiad. Mr. Rostam Abido Komiolof also said that Uzbekistan has the Zoroastrian cultural roots since thousands of years and this culture is alive and active. He said that after the Arab invasion of ancient Iran which included Uzbekistan, Islam was forced upon the people of Uzbekistan 4 times. The people of Uzbekistan resisted the imposed religion of Islam and have kept these Zoroastrian cultural roots alive in them. Famous mathematicians, Astronomers & physicians like Kharazmi, Birooni & others have safeguarded the Zoroastrian principles and based on these principles have made important inventions and discoveries. Famous poets like Roodaki, Daghghi & Ferdowsi have based their poems on the Bright Vision of Asho Zarathushtra. He further stated that the people of

Uzbekistan basically have great faith in the Zoroastrian Religion and they have their firm love & devotion in this religion. The Festival of Nowruz & Sadeh is the two very important official festivals of the people of Uzbekistan. During these festivals people visit the ancient fire temples and offer their Avestan prayers. Now Nowruz has been officially declared as an important national holiday. In Uzbekistan's capital city of Tashkent reading of the Shahnameh has gained importance among the people. The Avestan Gathas and Ferdowsi's Shahnameh have been translated in the Uzbek, Russian & Tajik version of Persian languages. Mr. Rostam Abido Komiolof is the professor of Avesta & Avestan language in the institute of eastern research and also an Avestan scholar in the Uzbekistan Science Academy. He has spoken about the teachings of Zarathushtra & Avesta on a number of occasions on Uzbekistan's national television & radio network and has gained the attention of the people of Uzbekistan. He has written a number of articles on the teachings of Zarathushtra & Avesta in various publications of Uzbekistan. He has also published an Avestan dictionary. A number of seminars pertaining to Zarathushtra's teachings, the Gathas and the Avesta have been organized by him in Uzbekistan. The ministry of education of Uzbekistan has chalked out a plan for teaching 6 Million Uzbek students the Avestan culture and for this purpose it will recruit 800,000 teachers to implement this project. An article in FEZNA's Journal dated September, 1999 states that the currency of Uzbekistan bears the Sassanian and Achameid symbols. The Uzbekistan Zoroastrian Anjuman has invited Zoroastrians worldwide to visit the site: www.avesta.org.ru and get an in-depth view of Zoroastrians living in Uzbekistan. If anyone is interested in visiting Uzbekistan and obtaining a tourist visa should email to: info@avesta.org.ru

THE EVERLASTING FLAME: ZOROASTRIANISM IN SCIENCE HISTORY AND IMAGINATION

SOAS is very proud indeed both of the distinguished researchers and teachers of Zoroastrianism who have been members of the school in the past and of its continuing commitment to the study of Zoroastrianism. We have an endowed chair in Zoroastrianism and a lectureship in Zoroastrianism, which represents a wonderful pool of expertise.

We are also very grateful for the generous support we have received from the Zoroastrian community to continue this work. So it is a real pleasure that we will be hosting at our Brunei Gallery an exhibition on the history of Zoroastrianism - there is no better location for this and I am looking forward greatly to the opening of the exhibition.

Professor Paul Webley
Director of SOAS

About:

One of the world's oldest religions, Zoroastrianism originated amongst Iranian tribes in Central Asia during the second millennium BCE and spread to Iran where it became the principal faith until the advent of Islam. Central to the religion is the belief in a sole creator god, Ahura Mazda, his emissary Zarathustra (Zoroaster) and the dichotomy between good and evil.

The Everlasting Flame: Zoroastrianism in History and Imagination is the first exhibition of its kind to provide a visual narrative of the history of Zoroastrianism, its rich cultural heritage and the influence it has had on the major world religions of Judaism, Christianity and Islam.

The exhibition takes you on a journey from the earliest days of the religion to its emergence as the foremost religion of the Achaemenid, Parthian and Sasanian empires of imperial Iran.

A fascinating and diverse collection of artifacts, texts, paintings and textiles are displayed alongside spectacular installations that include a walk-in fire temple and a ten-meter glass etching based on the cast of the western staircase from the palace of Darius at Persepolis in the British Museum.

<http://www.theeverlastingflame.com/>

By Dr. Pallan Ichaporia, Ph.D

NEW ENLIGHTENMENT ON THE GATHAS OF ZARATHUSHTRA

Zarathushtra and His Hostile Enemies

It is interesting to observe how Zarathushtra in his Gathas place himself in contrast with his enemies, and what sorts of ideas and sentiments he sets forth against them.

The religion of Zarathushtra is a religion of culture, of spiritual and moral progress and proficiency. It penetrates through all conditions of human life, and it considers every action of life, as for instance, the clearing of the soil, the careful tending of herds, and the cultivation of the fields, from the standpoint of religious duty, such a philosophy, cannot be confined to a narrow circle. The propagation of it and the conversion of all men to it are ideas which are at the basis of its very essence. We, accordingly, find complete hymns, as Yasna 30, of Ahunavaiti Gatha and Yasna 45, of Ushtavaiti Gatha, which were evidently intended to be delivered before a numerous audience, and in which

Zarathushtra, expounds the essential points of the new doctrine for the approval of the hearers. Such a position follows clearly from the beginning strophe of the Yasna 45th Gathic hymn :- (see below)

**NOW I SHALL PROCLAIM,
LISTEN NOW, HEAR NOW O
YOU, WHO ARE APPROACHING
FROM NEAR AND FAR ... MAY
THE DECEITFUL BLASHEMER
BY HIS EVIL CHOICE, NOT
DESTROY THE WORLD ...**

Evidently Vishtaspa, or else another provincial ruler, has permitted his people to meet in a large assembly. In this assembly the Kavis and the Karapans may have delivered their songs in which they revered the daevas, the gods of storm and thunder, of the sun and stars. Probably they, too, brought offerings to their gods to gain their assistance in any enterprise, or to propitiate their wrath. But now Zarathushtra steps forward and addresses the assembly. To his triumphant eloquence, the priests

of the nature-religion had to give way, and his doctrine and religion, "until then unheard," (agushta vachao) which Zarathushtra declared Ahura Mazda as the sublime Creator of the world and expounded the sacred duty of all men to fight strongly against the infernal power of evil, was re-echoed and applauded by the attentive audience. Not bloody offerings or senseless customs constitute the true worship of God ; but the moral purity of the mind, an ardent fulfillment of the duties to which man is invited in this life, as well as piety and industry.

Whenever the Prophet meets with an open opposition, and all preaching and expositions prove fruitless, then he denounces upon his opponents the full burden of divine wrath. The good shall hate the evil. There is no reconciliation, no forbearance, and no connivance. Every act of forbearance in such a case would be a sin, because it encourages evil rather than destroys it. This spirit of intense hatred against the wicked stands throughout the sacred Gathas.

Zoroastrians Fountain Regent Park London

Name of monument:

Ready Money Drinking Fountain

Description:

Four-sided granite and marble gothic drinking fountain.

Location:

North end of the Broad Walk.

History/background:

Given to the park in 1869 by Sir Cowasjee Jehangir, a wealthy Parsi industrialist from Bombay, whose nickname was Ready Money. It was his thank-you for the protection he and fellow Parsi's received from British rule in India.

Dates: 1869

Maintenance/care:

The Royal Parks

Interesting facts:

One of the largest drinking fountains in London. Contains 10 tonnes of Sicilian marble and four tonnes of red Aberdeen granite. It was unveiled by Princess Mary of Teck, later Queen Mary after whom Queen Mary's Gardens are named. Read more : http://en.wikipedia.org/wiki/Cowasji_Jehangir_ReadyMoney



Fifty years ago in August of 1963, the Rev. Martin Luther King Jr., along with other key civil rights leaders in the United States took part in the “March on Washington for Jobs and Freedom”. This monumental march was a response to the racial unrest and inequality that continued to plague this nation since its founding. At that time in history, tensions were high between people of color and the majority white establishment of the U.S., resulting in disparities and injustice that impacted minority communities in all aspects of

people of nation must celebrate. Yet, it is also obvious that the racial discrimination that is deeply rooted in the foundation of this nation in the inhumane practice of slavery by this country’s founding generation continues to prevail. Though today, it is not specifically written into the law; it is more covert and hidden.

To realize this, one only needs to look at some basic facts. For example, on average people of color continue to lag behind in economic power and wealth. Wealth allows us to attain food, shelter, provide a secure home for our families and create

vote, a right for which many civil and human rights leaders – including the great Medgar Evers, a civil rights icon from Mississippi – gave their life. Yet, even in that sphere, we continue to see inequities and obstacles that have a disparate impact on people of color. Voter suppression laws continue to be introduced and often enacted in states across America. Civil rights leaders continue to fight to ensure that all American citizens – no matter their race, ethnicity, and socioeconomic status – have easy access to the polls, to elect their leaders and put representatives in office who truly speak for them.

So the picture that emerges from the last fifty years is one of a bittersweet victory. This nation has come far and made immense progress, yet there is more work to be done. Today’s laws appear neutral on their face but can and often are applied unequally in ways that negatively impact many communities – often communities of color and those with lower economic standing. Racial bias continues to be a very real part of this nation’s system of laws, because no matter what we would like to believe about ‘being a nation of laws and not of men’ – or women – our system is still commanded by human beings who are by their nature prone to subjective beliefs and biases. So, we continue the fight for more progress, for real equality, and for better laws that truly protect the basic rights of all people. This is the hallmark of the “American Dream.” America is not a perfect nation with perfect laws, but an imperfect one with a built-in process for striving towards becoming “a more perfect union.”

50 Years after Revered Martin Luther King’s “I Have a Dream”: The Need to Continue the Dream

life. The March was a call for equality, better treatment of people of color in this country, for better economic opportunities for people of all races, and a general call to create systemic change for the justice so eloquently promised in the United States Constitution.

1963 was marked by racial unrest and demonstrations across the country. Incidents of police misconduct, abuse and harassment of people engaging in peaceful civil disobedience, voter oppression, and general harassment and mistreatment were widespread. Dr. King himself was arrested and while incarcerated wrote the famous “Letter from Birmingham City Jail,” calling on people to engage in peaceful protests to battle unjust laws across the nation. In this letter, Dr. King says, “Injustice anywhere is a threat to justice everywhere... Whatever affects one directly, affects all indirectly.”

Dr. King and his contemporaries were ultimately successful in creating a groundswell that resulted in the passage of the Civil Rights Act of 1964, a landmark piece of legislation in American history, outlawing any form of discrimination on the basis of race, ethnicity, gender, religion and nationality. The law officially ended segregation in public spaces and unequal application of voter registration laws – a tactic used to keep minorities from participating in the electoral process.

This nation has come a long way in the last fifty years. The laws which officially allowed legal discrimination on the basis of one’s race, ethnicity, nationality and other inherent and immutable characteristics have for the most part been whipped off of the books. Hence there is much that the

opportunity for our children. The recent economic recession has taken a toll on the ability of many Americans to do these things. And although the general economy is slowly climbing out of the recession, the rate of recovery has been much slower for communities of color. These communities suffered more loss of wealth during the recession: between 2007 and 2010 the average net wealth of African American families decreased by 27.1%, of Latino families by 41.3%, and of white families by 6.7%. And now, despite the slow progress being made, communities of color face fewer employment opportunities during the recovery. Rates of unemployment for African Americans are twice as high and the rate for Latinos is 50% higher than that for white Americans.

Or, one can examine the American criminal justice system. Today, the United States is the world’s number one leader in incarceration. This country makes up 5% of the world population but houses 25% of its prisoner – most of them people of color. Two-thirds of the US prison population is comprised of people of color, nearly 40% African American. This phenomenon however is not due to communities of colors engaging in more criminal activity. The disparities in our system of justice exist because people of color face inequities throughout the spectrum of our system of justice: they are more likely to be targeted by police, more likely to be arrested, more likely to be convicted and receive longer sentences, and even more likely to receive the death penalty.

One of the most important rights afforded to the citizens of this country is the right to



THE FIRST DECLARATION OF HUMAN RIGHTS BY CYRUS THE GREAT

The founder of Persian Empire, 532 BCE
Cuneiform clay tablet known as
Cylinder of Cyrus.
Uncovered in temple of Marduk in
Babylon, currently at British Museum.

hypocrisy; NOTHING IS FURTHER FROM THE TRUTH.” (Ardeshir Farahmand)

Freedom of choice and rules

We have freedom to choose a place of employment with rules that must be followed. We have freedom to shop but not to shoplift. We do not have freedom to avoid taxes, to drive without a license, to steal or rob a bank, to engage in illegal activities.

Without social discipline, religious discipline and spiritual discipline, we cannot advance our religious and cultural consciousness for ourselves and the rest of the world. So it is clear that, whatever we do in our lives, we are responsible for our choices and their consequences.

In Gathas, the word *varanâ*, occurs twice: Yasna 45.1 and 45.2. In 45.1, it has an adjective aka, which means bad, evil or wrong choice.

“Now, I shall proclaim, hear and listen, you who have come from near and far as seekers. Now clearly bear in mind. Let not the evil teacher, the wrongful, with his evil choice (aka *varanâ*) and perverted tongue, destroy life for a second time.” (Yasna 45.1, A. Jafarey).

From the above verse, it is very clear that the evil teacher would try to mislead others according to his/her likes and dislikes with evil choice.

“Now, I shall proclaim the two foremost mentalities of life. Of these, the more progressive one told the retarding one thus: neither our thoughts, nor teachings, intellects, nor choices, nor words, nor deeds, nor consciences, nor souls agree.” (Yasna 45.2, A. Jafarey)

To conclude, nowhere in Gathas does Zarathushtra say you have sole and exclusive freedom of choice. He warns us that our choices have consequences and are responsible for the end result. Yasna 45.2 is very clear to us, reminding us that we will not choose destructive mentality or spirit for ourselves or for others.

Freedom without boundaries devalues the freedom that has been given to you. Just ask an addict who will do anything to feed his habit, hookers who are hooked on drugs, gangsters, criminal gangs, extortionists and scam artists.

Zarathushtra reiterates again and again that we must make good choices, right choices and wise choices to make a better world for all of us.

Parsi Embroidery Fashion

Source - <http://www.parsinews.net>

Occupying a prominent place in the Indian textile tradition, Parsi embroidery owes its uniqueness to its various sources and inspirations. The Parsi people themselves, exiled from Iran to the western shores of India in the 8th century to escape persecution and freely practice their religion – Parseeism, derived from Zoroastrianism – is full of geographically, ethnically and culturally diverse influences.

By the mid 19th century, the Parsis initiated trade relations with China: they went to Canton to sell cotton, and then establish trade with Chinese artisans, who in turn sold them pieces of sophisticated embroidery intended to decorate the edges of the saris worn by women of the highest levels of Indian society. Consequently, some Parsi women learned the technique, which then grew locally to satisfy the desires of a broader segment of the population. Rather than simply sticking to the book of Chinese expertise, women Parsis took ownership of it, combining it with elements of their own culture, the technical and aesthetic influences sometimes from the East sometimes the West, thus creating a new, multicultural product. The patterns, which are highly symbolic, illustrate this great variety: Phoenix, pagodas, peonies and chrysanthemums reflect its Chinese origins; Chakla Chakli (juxtaposed birds), lilies, jasmines and cypresses – symbols of life and eternity – refer to Persia, while peacocks and lotuses are attached to the Sub-Continent which adopted it. This hybridisation also permeates the technique, a blend of the (most common) passed flat stitch, the knot stitch, and the famous “forbidden stitch” (Khakha), whose complexity is such that those who work on it become blind...

With a decline in the Parsi population, the gradual demise of cultural traditions, and especially the increased competition generated by industrial embroidery, Parsi embroidery is threatened with extinction. The Parzor Foundation has been working with UNESCO since 1999 on establishing workshops to transmit knowledge and to make it viable by updating the colours and materials used, and modernizing its marketing techniques. Its main aim is to preserve and keep this ancient technique alive, which is a perfect allegory of the Parsis' cultural richness.



freedom of religion, freedom of choice and free will

Mobed Behram Deboo

According to Yasna 30.2, Zoroastrianism is the religion of free will. That's the interpretation of Western scholars followed by non-Western ones. There is misunderstanding among Zarathushtrians regarding freedom of religion, freedom of choice and free will. Mentioning the Yasna 30.2 verse alone does not do it justice as it does not give the whole picture of what Zarathushtra intends us to follow.

Freedom of religion and democracy

Let us retreat into the history of America. It is a well-known fact that the Puritans who were persecuted for their beliefs in England sailed to the shores of the New World. As the migration continued, Catholics and other Christians of different denominations settled here to live freely.

However, some problems of intolerance led the people to face the issue of persecution. So the Maryland Act of Tolerance in 1649 was passed, assuring freedom of worship.

This was a highly significant step that led to the First Amendment at the end of the 18th century. The founding fathers of our nation embraced freedom of religion as a critical condition of a free and democratic society.

The First Amendment states, "Congress shall make no law respecting an establishment of religion, or prohibiting the free exercise thereof; or abridging the freedom of speech, or of the press; or the right of the people peaceably to assemble, and to petition the Government for a redress of grievances."

It is due to this First Amendment that we have a pluralistic society, in which people of different faiths can live and worship in peace.

The Pope established Christian theocracy under the king of each country in Europe. Similarly, all Islamic countries, in the past, were also theocratic, and some are still. Both faiths forced the conversion. The First Amendment softened Christianity with its tolerance of other faiths. Still, Islam and orthodox Christians believe that theirs is the only way.

Zarathushtra teaches about his Daena,

inner self and conscience in Gathas. His teaching correlates with the Bing Dictionary definition of conscience: "the sense of what is right and wrong that governs somebody's thoughts and actions, urging him or her to do right rather than wrong."

In other words, Zarathushtra sets parameters of freedom when it comes to choose, and the only person who has control over his/her actions is himself or herself. To say that Zarathushtra gives freedom of religion 'to pick and choose' is far from his teaching.

The Sassanian king, Khoshrow II was also very tolerant of other religions.

In Ahunavaiti Gatha, Zarathushtra urges us to choose the path of righteousness and to follow his Daenâm Vanghûhîm (good conscience) to establish the good kingdom or rule (Vohu Khashathra) of Ahura Mazda on this earth with peace and harmony.

One thing to remember is that Zarathushtra does not advocate either freedom of choice or freedom of religion in the sense that we can act upon whatever our whims dictate. This type of attitude falls in the category of self-worship and selfish behavior. Platonic and Neo-Platonic philosophers argued that true freedom is not being free to do whatever is wanted.

Freedom of religion means:

- A. you have a constitutional right to worship your religion without interference or persecution by the majority or government;
- B. it is not just tolerated but accepted socially;
- C. you have political freedom to run for office;
- D. you have economic freedom, and you are not rejected by an employer because of the religion you follow;
- E. you are not subject to harassment by the majority;
- F. your place of worship is not destroyed by the government. If a rowdy mob destroys it,

it is the government's obligation to provide equal protection.

Freedom of choice

People should have the right to choose, but they should also know that there are consequences to their choices. If people want to preserve their freedom, they should make as Zarathushtra would say, "wise decisions, good decisions and right decisions."

A one-night stand could cause immense pain through an unwanted pregnancy or sexually-transmitted disease. We have freedom of movement (vasə-iti, Yasna 53.9--actually 'movement as desired'), but we should not abuse it, say, by driving while heavily inebriated, risking our own lives and those of others, as well as property damage and a jail sentence. We hear all the time about so many lives – of people, young and old, entertainers, actors, singers, musicians – who have been lost due to exercising the wrong freedom of choice when they overindulged in alcohol and drugs.

Many individuals in the world do not have freedom of choice as they are forced into lives as sex workers, married off at an early age to old men, involved in human trafficking, or subject to abuses of all kinds, with unmanageable suffering. The list goes on and on.

A terrorist has the freedom of choice to blow himself and other innocent people up. But is it the right choice?

The right choice is connected to good conscience, human kindness and the ethics of Asha which have a very broad spectrum, covering many phases of a lifespan. That is the beauty of the right choice. There are Zoroastrians who believe that to follow the norms and rules at a place of worship are not necessary. Freedom of choice does not mean freedom from religion. For further explanation, see the condensed article below:

"Absence of any Laws and freedom to choose per one's own fancy is the very definition of anarchy and cult of self-worship. NO historical, ancient account of Mazdayasna or Zoroastrianism corroborates such absurd speculation about the poetic Gathas of the prophet and the subsequent development of Zoroastrian teachings... lawlessness to the poetic Gathas is highly inaccurate and MOST UNFAIR. It implies that Prophet Zarathushtra was wishy-washy, not earnest or resolute and that he preached

Zoroastrian Genocide

HUNTINGTON BEACH, Maneck Bhujwala: It is laudable that Dr. Ari Babknia has taken the time to educate his Iranian countrymen about the Holocaust of Jews and other groups by the Nazis by writing about it in the Persian language ["Doctor had 'need' to write 'Holocaust'," Front Page, July 30].

I hope that someday he will also write about the genocide of Iranian Zoroastrians by Muslim invaders, including the Arabs and Mongols, soon after the founding of Islam in Arabia, as history written by Muslim conquerors. This is a tragedy that is largely hidden.

Zoroastrians, who are followers of the oldest known monotheistic religion of Prophet Zarathustra (known as Zoroaster by Greek philosophers) were the majority population of Iran for over a thousand years under three great Persian empires, before the Arab invasion in the seventh century A.D., when they were subjected to massacres, humiliations and forced conversions to Islam.

It was only because some Zoroastrians migrated to India and were allowed to settle there and freely practice their ancient faith by Hindu kings that they were able to preserve their religion and culture, and also later help their few co-religionist survivors in Iran to gradually come out of their depressed state in the remote desert and mountain regions.

Today, many Iranian Muslims outside Iran, who are fed up with the practice of Islam in Iran, are learning about their ancient faith, converting to it in the Western world and becoming aware of the ethnic cleansing of Zoroastrians. "

Orange County Register, August 6, 2013

Zoroastrian Return to Roots

The following message is being forwarded to you by the ZAC committee on behalf of FEZANA who are affiliated with this program.

We are very excited to announce the launch of Zoroastrian Return to Roots, a program designed to connect youth from all over the world through short (10-14 day) trips of Zoroastrian India, and eventually through Zoroastrian Iran. The inaugural trip will take place in Mumbai and Gujarat, India from Dec 27th 2013-Jan 8th 2014, and it will include participation at the World Zoroastrian Congress.

We are currently accepting applications for youth who would like to participate in the inaugural trip. We have 20 slots available. We are looking for mature young Zoroastrians from all over the world who are poised to become leaders in their local and national associations. The trip is heavily subsidized for participants: financial considerations should not discourage anyone from applying. Furthermore, we are positioned to arrange visas for participants regardless of nationality, offering otherwise non-existent opportunities to our Pakistani and Iranian brothers and sisters.

To apply, please go here: www.zororoots.org/apply/

If you have any questions, please e-mail zororoots@gmail.com

Ps: Return to Roots is supervised and maintained under the umbrella of UNESCO-PARZOR. We are affiliated with the Bombay Parsi Panchayat and FEZANA. We also enjoy the support of many private individuals and local associations. If you would like to make a donation, please contact us or follow the directions on our website (<http://zororoots.org/partners/>). We have title sponsorships available.

Statue of Manekshaw soon to be erected in Delhi

Field Marshal Sam Manekshaw

UDHAGAMANDALAM (PTI) - Life-size statues of late Field Marshal S.H.F.J. Sam Hormusji Framji Jamshedji Manekshaw; 3 April 1914 – 27 June 2008), also known as Sam Bahadur ("Sam the Brave")

Manekshaw, who led India to victory in 1971 war with Pakistan, will soon come up in Delhi and Wellington area. The statues will be installed as part of the birth centenary of the former army chief. India West weekly



Happy Mehregan

ABOUT THE PRESIDENT



A visionary leader and accomplished scholar, Vistasp M. Karbhari took office as the eighth president of The University of Texas at Arlington.

A visionary leader and accomplished scholar, Vistasp M. Karbhari took office in June 2013 as the eighth president of The University of Texas at Arlington. He is a professor in the Department of Mechanical and Aerospace Engineering and the Department of Civil and Environmental



Dr. Vistasp M. Karbhari

Engineering.

As president, he is committed to advancing UT Arlington's national and international profile while strengthening excellence in research and teaching and ensuring the success of the University's 33,800 undergraduate and graduate students.

Prior to joining UT Arlington, President Karbhari was provost and executive vice president for academic affairs at the University of Alabama in Huntsville from 2008 to 2013. During that time the university saw an increase in sponsored research expenditures, added more than a dozen academic programs that highlighted academic strengths and met the workforce needs of the community, successfully integrated the divisions of academic and

student affairs, enhanced student life, and established a student success center that boosted retention and graduation rates. He also helped raise significant private funds for student scholarships, faculty development, and endowed chairs.

He was a professor at the University of California, San Diego from 1995 to 2008. In addition to his research and teaching commitments at UCSD, he served in several administrative and leadership roles at the department, college, and university levels, including in the Faculty Senate.

A prolific researcher, President Karbhari is an expert in the processing and mechanics of composites, durability of materials, infrastructure rehabilitation, and multi-threat mitigation and has authored or co-authored more than 460 papers in journals and conference proceedings and edited or

co-edited four books. He holds one patent and has served as principal investigator or co-principal investigator on more than \$37 million in research projects.

He is a fellow of ASM International, which serves the materials science and engineering profession, and a fellow of the International Institute for FRP in Construction, which is dedicated to the use of fiber-reinforced polymer composites. He serves as the associate editor of the Journal of Civil Structural Health Monitoring, as the American editor for the International Journal of Materials and Product Technology, and as an editorial board member for Composite Structures, the ASTM Journal for Testing and Evaluation, Structural Engineering and Mechanics, and the International Journal of Sustainable Materials and Structural Systems.

President Karbhari earned a bachelor's degree in civil engineering and a master's degree in structures, both from the University of Poona in India, and a Ph.D. with a dissertation in composite materials from the University of Delaware. During his more than 20 years in higher education, he has received numerous awards for research, teaching, and innovation.

PAAIA AND LIBRARY OF CONGRESS TO CELEBRATE PERSIAN LANGUAGE AND LITERATURE

WASHINGTON, D.C. (October 1, 2013) – The Public Affairs Alliance of Iranian Americans (PAAIA) today announced that it will be sponsoring an exhibition showcasing the Persian language and Persian literature at the U.S. Library of Congress. This first-ever exhibition of its kind, One Thousand Years of the Persian Book, will open in March 2014. The exhibition will provide a glimpse into the library's unique Persian collection and the important role the Persian language has played in world history.

Persian literature has a long tradition and a unique place in history. It is one of the world's oldest and best-known literatures - Persian having come into prominence as a literary language and a cultural lingua franca over a thousand years ago. As a literary and cultural language, Persian was used mainly in Central, South and West Asia; however, among cultural elite, its

use covered a vast area that reached from the bay of Bengal to the east of India, to the Caucasus region reaching the borders of southern Russia (to the north of Persia), and from Iraq and the Persian Gulf to the south to the Ottoman lands of Anatolia, the Balkans and many parts of the eastern Mediterranean to the west. For nearly five centuries, Persian was the official language of the Indian court, used throughout the subcontinent and beyond.

Over the centuries, Persian literature has influenced the cultural and literary traditions of modern nations such as India, Pakistan, Iraq, Azerbaijan and Turkey. Persian is presently the official language of (or a major language in use in) Iran, Afghanistan, Tajikistan, and Uzbekistan. Its impact on world literature and history cannot be underestimated, and should be celebrated.



by: Shahrooz Ash

Editor's note

Cyrus The Zoroastrian; The King of Kings, The Eternal King

The King of Kings, the sacred and divine savior of the world who set the world free of: tyranny, slavery, bondage and devastation; has entered the spirit and soul of North America. His character is no myth or legend. He is real, with real practical actions resulting in changing the world for the better.

Cyrus' ideals of freedom and individual choice evolved the human psyche. The freedom that we enjoy today, in the free world, is because of this visionary thinker. Cyrus' wisdom is supreme. It is no secret that the founding fathers of this nation were captivated with Cyrus-the-Zoroastrian because of his profound wisdom; the source of this fact is abundant.

The famous Cyrus Cylinder is currently touring different museums across the United States. The Cylinder is a testament of the ancient Iranian/Aryan philosophy. Freedom of thinking, freewill, personal autonomy, liberty, gender equality, sexual equality, culture and scientific freedom are the hallmarks of Iranian culture. These ideals are imbedded and woven within the fabric of his nation and are intrinsic to the culture of Iran.

These ideals have been taught to every Iranian child since birth.

This knowledge is 7000 years old, influenced by the holy of the holies; Zarathushtra, the father of freedom, science, philosophy, ethics and therefore humanity. He is the father of the Iranian/Aryan culture. Zarathushtra invoked the human mind and challenged humans to have the courage to think. To be free from myth, religion, bondage, falsehood, oppression and restraint is what makes Zarathushtra the lord-of-wisdom and thus worthy of worship, praise and celebration. Champions? Indeed they are. Both Zarathushtra and Cyrus are truly divine and sacred, because of their wisdom.

The Cyrus Cylinder entered North America in 2013. It traveled from the east coast to the west coast. This touring exhibition is organized by the British Museum in partnership with the Iran Heritage Foundation (IHF America). The Cyrus Cylinder will go on display at Paul J. Getty Museum, the Getty Villa, in Los Angeles Oct 2, 2013 through Dec 2, 2013.

cover story

- About the President page 4

News Section

page 5

- Zoroastrian Genocide
- Zoroastrian Return to Roots
- Statue of Manekshaw soon to be erected in Delhi

Gathas

- freedom of religion, freedom of choice and free will page 6

Youth Cafe

- Parsi Embroidery Fashion page 7

Humanity

- 50 Years after Revered Martin Luther King's page 8

History & Culture

- New Enlightenment On The Gathas Of Zarathushtra page 9
- Zoroastrians Fountain Regent Park London

General

- Uzbekistan Zoroastrian Anjuman Registered page 10
- Dr. Mina Izadyar, founder of the Iranian Thalassemia Society page 11
- The Louvre Museum
- The Father Of The Iranian Nation Visits The United States page 12/13
- The 8th Zoroastrian unity cup in San Diego page 14

California Zoroastrian Center
Zoroastrian Journal
Chase Bank
Account # 421-334675-6



The Zoroastrian Journal
No.22
Publish: Quarterly
Fall 2013

Topics:
Religions, Culture, Social,
Science, History, News...

Senior Editors
Mobed Bahram Deboo
Shahrooz Ash
Mehrdad Mondegar
Nasrin Ordibeheshti

Authors/Writers
Mobed Bahram Deboo
Dr. Niaz Kasravi
Dr. Pallan Ichaporia, Ph.D
Shahrooz Ash
Dr. Khosro Khazai
Farhad Kermani
Professor Paul Webley
Field Marshal Sam Manekshaw

Director and Publisher:
California Zoroastrian Center
A Non Profit Organization

Type and Design:
Roxana Kavosi

Printed By:
LA Web Press

Email: info@CZCJournal.org
Tel: 714 -893 -4737
Fax: 714 -894 -9577
www.CZCJOURNAL.ORG



CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE
WESTMINSTER, CA 92683
U.S.A.

(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577

www.czc.org
Email: info@czc.org

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.'- Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)



The **ZOROASTRIAN** *Journal*

Issue 22

Fall 2013/ 3751 Zoroastrian Calendar

cover story:

- **About the President**

Other Topics:

- freedom of religion, freedom of choice and free will
- 50 Years after Revered Martin Luther King's
- Parsi Embroidery Fashion
- The Father of the Iranian nation visits the United States

